



افسانه

[با سید محمد حسن آیت‌اللهی]

خاطراتی از درون خانه آیت‌اللهی‌ها



شماره ششم ■ ضمیمه شماره ۲۰۱۶ روزنامه افسانه فارس ■ ۱۲ صفحه

تیرماه ۱۳۹۱ ■ شعبان ۱۴۳۳ ■ جولای ۲۰۱۲

www.gerishna.com

اغاز صادق رحمانی

از هویت تا تعامل

دوستی پرسید: حقیقت ماجرا چیست؟ گفتم: پس از صد سال حقیقت هر چه بوده، اکنون غباری از تبریگی تاریخ و سایه‌ای از افسون و افسانه بر آن سایه افکنده است و حقیقت را بر ما پوشیده می‌دارد. که گفت: «جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه/ چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند» اما اگر می‌خواهی واقعیت را برای شما فراهم شود. واقعیت آن است که اگر پدربزرگ‌های ما در برهه‌ای از تاریخ دچار اشتباه شده‌اند، ما نه تنها نباید آن را تکرار کنیم، بلکه باید در اصلاح و رفع آن کوشا باشیم. بالاخره ما دو سه نسل پس از آن‌هایم و با این همه پیشرفت‌های علمی و نیز شناخت جوانب تدبیر و سیاست، باید طبیعی باشد که از گونه مشکلات پیش نیاید. کما این که در منطقه، گاه مشکلاتی فراموش شده است، اما نوادگان همان‌ها که روزگاری در مقابل هم قرار گرفتند، پس از آن در کنار هم قرار گرفتند و این خود نشان می‌دهد که از آن چه بر این سرزمین رفته است عبرت گرفته‌ایم و طریق مودت در پیش.

در این منطقه قدیمی، هویت‌هایی فردی، اجتماعی وجود دارد که هر یک به نوبه‌ی خود، باعث تمایز و تشابه می‌شود. مثلاً همه‌ی کسانی که در گراش به دنیا آمده‌اند از تعلق به شهر، نوعی رضایت یا احساس عاطفی گرم به دست می‌آورند.

امام جمعه، رییس حوزه و رییس اداره تبلیغات رفتند فصل نقل و انتقالات مسئولین

به داغی نقل و انتقالات فوتبالی‌ها که نه، ولی جایجایی تابستانی مسئولین شروع شده است. مدیران دولتی نیز در دوسرهای خودشان را برای جایجایی دارند. یک سری از این مشکلات خانوادگی است. مثل یافتن خانه در محل جدید، مدرسه برای بچه‌ها و این جور گرفتاری‌ها. بخشی دیگر اداری است مثل یافتن یک پست سازمانی در محل جدید، یک جانشین برای پست فعلی که ادامه دهنده راه باشد. بر خلاف تصور عمومی آمدن یک مسئول و رفتن دیگری کاری ساده‌ای نیست. حاج فتل‌ها و سردارهای نظام اداری با معادلات پیچیده چند مجهولی روبه‌رو هستند. بعد از رفتن حجج‌اسلام حلاجی، اسماعیلی و باقری مهمترین سوال حضور دارد.



از برات تا رمضان [عکس: فاطمه خواجهزاده]

آقای آینده‌ی لار کیست؟

لار در بهت فرو رفته بود. مثل کشتی بی ناخدا. هر چند خبری از طوفان نیست اما بیم آن که با هر نسیمی نیز کشتی به کام امواج پرود وجود دارد. اندوه موج می‌زند و بیش از آن ابهام، لار ۵۴ سال به هدایت «آقای گپ» عادت کرده بود و حالا مهمترین سوال در لار این است: «بعد از آقا چه می‌شود؟»

بزرگ خاندان، آیت‌الله آیت‌الله سیدمجتبی موسوی لاری است. نماینده ولی‌فقیه در لارستان اکنون به شدت بیمار است و حتی در مراسم تدفین آیت‌الله فقید نیز حضور نداشت. آیت‌الله سید مجتبی بیشتر همت خود را در این سال‌ها صرف ترویج اسلام در کشورهای خارجی کرده و کمتر در لار حضور داشته است. فرزند آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری به نام «سید علی اصغر موسوی لاری» دارای مدرک دکتراست و در انتخابات مجلس با هدایت فرزند اجماع تمایل خود برای نقش‌آفرینی سیاسی را نشان داد. اما سن او از پسر عمه‌های خود یعنی فرزندان آیت‌الله سید عبدالعلی کمتر است.

آیت‌الله مرحوم سه پسر دارد که از میان آنها تنها یکی وارد حوزه علمیه شده است. سید محمدحسن آیت‌اللهی گزینه اصلی لاری‌ها برای جانشینی پدر است. سید محمد حسن را در لار با نام «حسن آقا» می‌شناسند. او در گرماگر تابستان ۱۳۳۶ در لار به دنیا آمده است. تحصیلات مقدماتی را تا کلاس هفتم و در مدارس سعدی و صحبت لاری سپری کرد. سپس برای ادامه‌ی تحصیل راهی شیراز شد و در دبیرستان‌های مهدیه و شاهپور شیراز دوره‌ی متوسطه را به پایان رساند. پس از یک سال تعلیم در حوزه‌ی علمیه‌ی شهید دستغیب به قم عزیمت کرد و در مدرسه‌ی آیت‌الله گلپایگانی دروس مقدمات و سطح را فرا گرفت. وی همچنان به مدت یک سال در محضر آیت‌الله زنجانی و آیت‌الله وحید، موفق به گذراندن درس خارج فقه و اصول شده است. او دارای مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه آزاد اسلامی است. وی با وجود تحصیلات حوزوی اکنون در سلک روحانیت نیست و تلاش دوستان پدربزرگ بر این است که با پوشاندن قبا و عمامه او را جانشین پدر کنند تا بتواند طبق فرموده مقام معظم رهبری با تعقیب نیات و اهداف پدر مرحوم خود بخشی از فقدان ایشان را جبران کند.

حتی اگر سید حسن آیت‌اللهی راضی شود که به لباس روحانیت درآید نیز معمای لار هنوز حل نشده است. زیرا معلوم نیست امام جمعه آینده لار چه کسی باشد. این نگرانی در لار وجود دارد که رقبای لار سعی کنند با تعیین یک امام جمعه ناشناس موقعیت آینده این شهر را تضعیف کنند.

۰۶ خبر شهرداری شهرستان شناسنامه گرفتند

۰۴ پرونده بانک‌هایی که جاروبرقی هستند

۰۲ گزارش داشتن یک فتوکپی از خود

۰۹ پیگیری خبر وضعیت نامعلوم اداره ثبت گراش

۰۳

بلوار امیر جنتاب قنای **جمعه‌ی ولایت**

بی‌شائبه از تلاش و کوشش جناب‌عالی در طول امامت جمعه شهرمان به ویژه حسن نیت شما نسبت به امور مجمع اقرآن سپاسگزاری به‌عمل می‌آید. امید است همچون گذشته در زیر الطاف حضرت بقیه‌الله (عج) موید باشید.

مجمع اقرآن گراش

مایسگاه اتومبیل مصطفی رفعتی

خرید و فروش انواع اتومبیل‌های ایرانی و خارجی
اجاره انواع اتومبیل

همراه: ۰۹۱۷۱۸۲۱۴۰۰ - اوز- بلوار امام خمینی (ره)

یک باب کارگاه تولیدی نایلون و نایلکس

باهمی امکانات به فروش می‌رسد.

شهرک صنعتی گمرکی

تلفن: ۰۹۱۷۳۸۲۳۰۴۸

حضرت حاج‌قلیدر رضاحسینی

بدینوسیله انتصاب شایسته شما را به امامت جمعه گراش تبریک گفته و امید است در زیر توفیقات حضرت بقیه‌الله (عج) موفق و سر بلند باشید.

مجمع اقرآن گراش

جمعه‌ی ولایت سید رضاحسینی

انتخاب شایسته شما را به امامت جمعه گراش تبریک عرض می‌کنیم. از خداوند تعالی توفیق شما را در این مناسبت خطیر ملت درود می‌رسانیم.

بیات انام حسینیه حضرت علی اکبر (عج) (ماجد شاهیجان)

جنتاب آقای مجتبی فروغی قاری حافظ کورک

کسب مقام اول المپیاد دانشجویی کشوری در رشته حفظ کل قرآن و رشته اذان را به شما و جامعه قرآنی تبریک عرض می‌کنیم.

مجمع اقرآن گراش

ابوالفضل جان:

سینزدهم تیرماه چهارمین سالروز درخشیدن ستاره‌ی تو در آسمان زندگی‌مان را تبریک می‌گوییم.

بابا و بابا

سید رضاحسینی

حضور شما را در جایگاه امامت جمعه گراش تبریک می‌گوییم.

امید که در سایه توجهات حضرت ولی‌عصر (عج) و همدلی مسئولین بتوانیم در راه خدمت به مردم گام برداریم.

شورای اسلامی شهر گراش

بازرگانی نبض اقتصاد جنوب

Pulse of south Economy Co

مشاور امور گمرکی، ثبت سفارش، ترخیص کالا به‌صورت فیکسی و حق‌العمل‌کاری
تحویل کالا از چین و دبی ترخیص از طریق گمرک چابهار و بندرعباس

تلفن: ۰۹۱۲ - ۱۴۰۶۱۷۱ / ۱۷۷۵۱۳۳ - ۰۹۱۲

خلیل رسول نژاد

شماره ثبت: ۲۷۰۱۸

نمایندگی فروش در ایران

۰۹۱۷۱۷۲۳۰۰۷ - رستمی

چای طالب

زراين

TALIB TEA

ZARIN

ده سال با ستاد نماز جمعه گراش

از آنجایی که ستاد برگزاری نماز جمعه، با کمال تواضع بازوی امام جمعه در انجام رسالت‌های نهاد جمعه می‌باشد، ستاد نماز جمعه این شهر تلاش کرده است در این ده سال امامت جمعه حاج‌آقا حلاجی، همواره ایشان را یاری کند.

گرچه نقش ستاد در بسیاری از اقدامات امام جمعه، بستر سازی بوده است که در حد توان، تلاشها صورت گرفته است. اما در بسیاری از ستادها و تشکلهای سطح شهر، اعضای ستاد نمازجمعه در کنار ایشان حضور فعال داشته‌اند. مجموعه اقدامات دوازده ساله ایشان و ستاد برگزارای نمازجمعه را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. بخش اول به عنوان نمونه مواردی از این قبیل است:

۱- مسئولیت امام جمعه و اعضای ستاد در ستادهای اعتکاف، ستاد عرفه، احیا امر به معروف و نهی از منکر، ستاد ارتحال حضرت امام(ره)، هیئت زمیندگان، مقام شهدای گمنام، شورای فرهنگ عمومی، مجمع‌القرآن، بیت‌الزهر و دهها تشکل دیگر سطح شهر.

۲- برگزاری جلسات ماهانه ستاد برگزاری نماز جمعه و پیگیری مصوبات آن.

۳- دوازده سال تلاش مستمر در دعوت از خطبا و علمای بزرگ کشوری همچون حضرات آیات؛ مصباح یزدی، محمدی گلپایگانی، خزعلی، قرآنی، حسین بوشهری، مقتدایی، سید احمد خاتمی، صدیقی و ماندگارلی.

در بخش دوم فعالیت‌های به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- دوازده سال سرپرستی و مدیریت حوزه‌های علمیه و تدریس سطوح عالی حوزه

۲- پیگیری در جهت احداث سناختمان مدرسه علمیه باقرالعلوم^(ع) از ابتدا تا تکمیل آن با هزینه‌ای بالغ بر یک میلیارد و سیصد میلیون تومان

۳- پیگیری در جهت تکمیل، توسعه و بهره‌برداری از ساختمان مدرسه علمیه الزهرا^(ع) با هزینه‌ای بالغ بر یک میلیارد و یکصد میلیون تومان

۴- پیگیری در امر ۲۴ واحد مسکونی در کنار حوزه علمیه

باقرالعلوم^(ع)از ابتدا تا تکمیل با هزینه‌ای بالغ بر ۶۰۰ میلیون تومان و ۲۰ واحد مسکونی جدید

۵- تلاش مسئولین نمازجمعه و شخص امام جمعه محترم در نهادهین کردن مسئله وحدت که در همان روزهای آغازین، مردم گراش شاهد وحدت و همدلی بین امام جمعه و روحانی خدوم و دلسوز، حجت الاسلام و المسلمین آغا

سید عباس معصومی بوده‌اند.

۶- ده سال تلاش در امر ارتقاء بخش گراش به شهرستان.

و دهها مورد اجرا برنامه‌ها و مراسم‌های مختلف در سطح شهر. در خاتمه جا دارد از کلیه ادارات و نهادهای شهرستان که در طول این مدت با دفتر امام جمعه و ستاد نمازجمعه همکاری داشته‌اند، نهایت تشکرو سپاس را از این راه اعلام دارم. از اعضای محترم ستاد و همچنین هیئت امانه حسینییه اعظم که در طول این ده سال نهایت همکاری با ستاد داشته‌اند تقدیر و تشکر کنم. جا دارد از امام جمعه موقت، حجج‌الاسلام سید شجاع‌الدین ابیطحی و ابوالفضل اسماعیلی تقدیر و تشکر نمایم. از مردم صبور و ولایتمدار که با مشارکت‌های معنوی و مادی خود ما را در انجام رسالت خطبری که به عهده داشته‌ای یاری و مساعدت نمودید تشکر کنیم. و در پایان برای عضو فعال ستاد نمازجمعه، مرحوم هانی معصفری و مرحوم حجت‌الاسلام موسوی‌پور، امام جمعه سابق شهر طلب مغفرت می‌نماییم.



جشن یک سالگی جامعه موزای اچم تپ – سعید سرخچی

خبر اول

کریشنا



امام جمعه رفت

حجت‌الاسلام حلاجی چندسالی است که اول تابستان آماده رفتن می‌شد. سال گذشته خانواده او نیز به قم رفتند تا در یک سال گذشته هم امام جمعه اصلی و هم امام جمعه موقت پروازی باشند. اصل شده است. در ۲ تیرماه که امام جمعه تازه اولین نماز را خواند سالان حسینییه اعظم تقریباً پر است.

گراش را دوری از خانواده و به خاطر شرایط خاص خانوادگی مطرح کرد. پس از پانزده سال دوری از محل خود، او درخواست والده خود را هم به حضور در نزدیکی زادگاه، بی‌تاثیر ندانست. به نظر نمی‌رسد که ارتباط حلاجی با گراش کامل قطع شود و او را دوباره خواهدبیم دید. حلاجی به کاشان بر می‌گردد و احتمالاً امامت جمعه یکی از شهرهای نزدیک کاشان را بر عهده خواهد گرفت.

سرانجام حلاجی آخرین نماز جمعه‌اش را ۲۵ خرداد در حسینییه اعظم خواند و از مردم خداحافظی کرد. بسیاری با بنرها و نوشته‌های خسته نباشید حلاجی را بدرقه کردند و عده‌ای گلایه داشتند که او در مقاطع حساسی همانند دوم تیر، بحران مالی یا قضیه اوز و بیسرم با مردم همراه نبوده و آن برندگی لازم را نداشت. درگزارش کار سید عباس جهانپانی از این ده سال نیز بخش اصلی کارنامه حلاجی توجه به حوزه علمیه دیده می‌شد.

آخرین صحبت امام جمعه ده سال گذشته گراش خطاب به مردم است: وازهای بالاتر از طلب حلالیت و تشکر از مردم در این موقعیت نیست. با رفتنم مطمئناً گراش را فراموش نخواهم کرد و اگر مشکلات موجود که کاملاً شخصی است، وجود نداشت ترجیح می‌دادم در اینجا خدمت کنم و می‌دانم هر جا بروم، نتایجش مانند کار من در گراش نیست.

امام جمعه آمد

حجت‌الاسلام سیدرضا حسینی را کسی در گراش نمی‌شناخت. زمانی که نام او به عنوان امام جمعه سه سال آینده گراش اعلام شد گراش‌های به دنبال این بودند که او چگونه به گراش وصل شده است. در ۲ تیرماه که امام جمعه تازه اولین نماز را خواند سالان حسینییه اعظم تقریباً پر است.

اولین خطبه نماز حسینی مروری اخلاقی بسر یکی از حکایت مثنوی است و البته پایان آن شعری از سعدی، گویی امام جمعه جدید به ادبیات علاقه خاصی دارد.در خطبه دوم حجت‌الاسلام حسینی دو اشاره کوتاه به سابقه خود دارد. اول آشنایی با محمدی گلپایگانی رییس دفتر مقام معظم و بهیروی و بعد در موضوع که مسئولیت‌هایی همانند امامت جمعه کمی دست و پای آدم را برای اظهار نظر می‌بندد و او این طوری راحت‌تر می‌تواند با مردم در ارتباط باشد.

آیت‌الله سیدجواد معصومی با حضور در اولین نماز جمعه به امامت حجت‌الاسلام حسینی حضور داشت و از اولین کسانی بود که به او برای مدت سفری به اراد و فداغ داشت

و همراه با فرماندار به شیراز رفت تا مقدمات همایش بزرگداشت شهدا را فراهم کند. ستاد نماز جمعه اعلام کرده است به طور موقت تا یک ماه به کار خود ادامه می‌دهد و در روز آینده امام جمعه باید اعضای جدید ستاد را منصوب کند. ستادی که به مانند کاینه او در گراش خواهد بود.

چرا آقا جواد امام جمعه نشد؟

سوالی که در ذهن تعدادی از مردم شهر وجود داشت این بود که چرا با وجود آیت‌الله سید جواد معصومی، فردی دیگری برای امامت جمعه انتخاب شده است. امام جمعه پیشین



کاشت نهال با همکاری منابع طبیعی و بسیج



شیب برنامه باغ گل‌ها (جهانبنده)

امام جمعه، رییس حوزه و رییس اداره تبلیغات رفتند

فصل نقل و انتقالات مسئولین

گذشته به مدت یک سال عهده‌دار این سمت خواهد بود، آشنایی‌اش را با گراش و مردم این شهر از زمان هشت سال دفاع مقدس و دوستی و همراهی با گراش‌ها در آن زمان عنوان کرد. او گفت آشنایی کاملی با این شهر و به خصوص طلاب گراشی دارد. معصومی، جانشین حجت‌الاسلام اسماعیلی، امام جمعه موقت گراش شده است.

یک روحانی دیگر هم رفت

دیگر مدیر روحانی گراش نیز به دلیل مشکلات خانوادگی شهر را ترک می‌کند. حجت‌الاسلام و المسلمین

باقری، رئیس اداره تبلیغات اسلامی گراش پس از دو سال و نیم حضور در گراش تا چند هفته دیگر جای خود را به حجت‌الاسلام و المسلمین باقری می‌دهد. حاج‌آقا باقری درباره علت درخواست انتقالش می‌گوید، عدم حضور خانواده و مشکلات رفت و آمد و بعد مسافت، دلیل اصلی این تصمیم بوده.

باقری پس از بازگشت به شهر خود لامرد، ممکن است در دفتر تبلیغات اسلامی لامرد و یا شهری در نزدیکی زادگاه خود، به عنوان کارشناس امور فرهنگی قرآنی مسئولیتی را برعهده بگیرد.

حجت‌الاسلام و المسلمین اسامی، رئیس جدید سازمان تبلیغات نیز پیش از این رئیس دفتر فیروزآباد بوده است.

وضعیت مهمم دفتر خبری

سروش‌ت مستعود خوست‌خدایی در تبلیغات اسلامی مسئولیت دفتر خبری گراش را بر عهده دارد. قرار است نام‌آور به درآرب منتقل شود و همین مشخص نیست سرنوشت این دفتر که مهمترین منبع انتشار اخبار گراش در شبکه‌های تلویزیونی است چه خواهد شد.

رئیس سازمان تبلیغات درباره نیروهای این اداره توضیح داد: سازمان تبلیغات

سه نیروی سازمانی و یک نیروی شرکتی دارد که تنها یک نفرشان پست سازمانی گراش دارند. یک نفر از آمدن امام جمعه آغاز شده بود. در اواخر اردیبهشت‌ماه حجت‌الاسلام و المسلمین معصومی به عنوان رئیس جدید حوزه علمیه گراش مسئول به کار شده است. عبدالمهدی معصومی، نستنی با خاندان معصومی گراش ندارد و اهل فسا است. او به مدت ۲۳ سال در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل بوده و به مدت ۸ سال نیز مدرس حوزه نام بخش گراش بر آن دیده می‌شود

هر چند به گفته رئیس سازمان تبلیغات قرار بوده است چارت سازمانی این اداره تا اواخر سال گذشته تکمیل شود، هنوز نه در مهر این اداره که در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل بوده و به مدت ۸ سال نیز مدرس حوزه نام بخش گراش بر آن دیده می‌شود تغییری صورت پذیرفته و نه در تعداد اندک نیروهای آن که تا چند وقت دیگر کمتر هم می‌شود.

از دیگر مدیرانی که ممکن است به



اولین نماز جمعه حجت‌الاسلام حسینی– عکس: خواجهور]



ابلاغ حکم امام جمعه جدید گراش–[توکلی]

چند خط خبر

داماد به جای عروسی به بیمارستان رفت

داماد بدشانس اردی در راه بازگشت از خرید عروسی در بلوار رسالت گراش تصادف کرد.

به گزارش پایگاه امداد جاده‌ای هلال‌احمر گراش پنجم تیرماه خودرو سمند بر اثر سرعت زیاد در بلوار رسالت روبه‌روی بوستان یاران با یک کامیون حامل مواد سوختنی برخورد کرد. علت تصادف انحراف به راست سمند بود و دو سرنشین این خودرو مجروح شدند. با حضور مأمورین امداد به‌وسیللهی ست نجات از خودرو رها شدند. بعد از اقدامات پیش بیمارستانی مجروحین به مرکز درمانی انتقال یافتند.

یکی از مجروحین این حادثه دامادی اردی بود که برای خرید عروسی به گراش سترز رفته بود.

آغاز یک سال دیگر انتظار

گریشنا: شب تولد منجی است. اگر از چند روز قبل هر روز چند بار در خانه را برای آوردن برات بزنند، شب پانزدهم شعبان اما کمتر کسی در خانه مانده است. ترافیک سنگین، خیابان اصلی را مسدود می‌کند و زنان و مردان از این مسجد به آن مسجد می‌روند. کودکان در آغوش والدین، کنار گپواره رنگین عکس می‌گیرند و شیرینی

امسال علاوه بر آذین بندی خیابان و مساجد برای تولد امام زمان(عج)، نمایشگاهی هم در مسجد محمد رسول الله(ص) برگزار شده است. نمایشگاه در دو بخش مهدویت و شهدا برگزار شده است. پارچه‌ای پر از دلنوشته‌هایی برای امام زمان(عج) و شهدا در قسمتی از سالن قرار دارد و غرفه خاکریز خاطرات هم با پخش کلیپ‌ها و ماهنامه خود مردم را به سمت خود می‌کشاند. نام‌های مهدی و نرگس بعد از نماز مغرب و عشاءی پانزدهم شعبان دیده‌ای می‌گیرند و اگر با ماشین تا کنار مسجد آمده باشید، برجسی هم می‌توانید به شیشه ماشین برزید.

تکیه شهدا پر از مردمی است که به سخنرانی حجت‌الاسلام علیزاده گوششی می‌دهند. مالکی از مداحان اهل بیت هم در این شب مولودی خواند و پس از نیمه‌شب هم هنوز مردم در رگ‌های شهر جریان دارند و اگر تا دوساعت در خیابان باشی کلی از آشناهایت را می‌بینی. در کنار نورهای روشن ماشین‌ها و چادر سیاه زنانی که از خانه‌های آذین بسته می‌آیند، نوای یا مهدی، سرود همیشگی شهر در نیمه شعبان به گوش می‌رسد و گاهی آدم را تا کودکی‌اش می‌برد. کوزه‌هایی با عطر تارونه. شب تولد منجی است.

به دنبال بازاری برای محصولات سبز

گراش دومین شهرستان استان فارس است که تاییده تولید هندوانه و ششام بدون سم شیمیایی را به دست آورد. اما این محصول هنوز به قیمت محصولات غیرارگانیک به فروش می‌رسد.

به گزارش روابط عمومی مدیریت جهاد کشاورزی گراش با اجرای طرح IPM/FFS هندوانه و شمام در ۱۶ هکتار از بخش مرکزی شهرستان گراش کشت شد. این محصول پس از انجام آزمایشاتی از سوی استان موفق به اخذ تأییدیه از آزمایشگاه مبنی بر سالم بودن آن شد. به این ترتیب گراش با تلاش و همکاری کارشناسان حفظ نباتات شهرستان وکلینیک گیاهپزشکی فدک گراش به عنوان دومین شهرستان تولید کننده محصول سبز از سوی استان شناخته شد.

عباسی کارشناس حفظ نباتات جهاد کشاورزی همچنین افزود: در انجام این‌ طرح از مواد جلب کننده حشرات مانندکارت زرد، رل زرد، بوتترین هیدرولیزات به جای استفاده از سموم شیمیایی جهت مبارزه با آفات استفاده شد. همچنین کودهای دامی و کمپوست جایگزین عناصر ماکرو شیمیایی شده است. علاوه بر تولید محصول سبز سبب این کار افزایش چشمگیری در میزان تولید ایجاد کرد و به طور میانگین در هر هکتار ۲ برابر افزایش میزان تولید را شاهد بودیم.

وی همچنین خاطر نشان کرد: پس از اجرای موفق این طرح علی رغم پیگیری های مکرر از سوی مسئولین شهرستان و استان متأسفانه بازار فروشی جهت فروش این محصول وجود ندارد و از نظر بازار فروش هیچ تفاوتی با محصولات غیر ارگانیک نداشته است.

دارالقرآن اهدایی حاج علی‌اکبر دریابرد در فداغ افتتاح شد

به همت حاج علی‌اکبر دریابرد دارالقرآن فداغ به صورت رسمی زیر نظر اداره تبلیغات اسلامی گراش قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار خبر جنوب جمعه شانزدهم تیرماه در مراسمی دارالقرآن فداغ با حضور امام جمعه و فرماندار گراش به همراه حجت‌الاسلام علیزاده رییس بسیج طلاب افتتاح شد.

بر اساس اعلام روابط عمومی اداره تبلیغات اسلامی ساختمان دارالقرآن با پیگری حجت السلام باقری توسط حاج علی دریابرد اهدا شده است. این ساختمان دارای زیر بنایی بیش از ۱۶۰ متر مربع همراه با امکانات اولیه و ۱۲۰ عدد صندلی جهت کلاسهای آموزشی می باشد.

این مکان مدتی فعالیت داشته و با واگذاری آن به اداره تبلیغات اسلامی به یک مرکز قرآنی فعال تبدیل خواهد شد.

مراسم حضور در دارالقرآن نخستین سفر حجت‌الاسلام حسینی امام جمعه گراش به دهستان فداغ بود که با حضور در مراسم نیمه شعبان همراه شد. در این سفر شنیده شد به زودی مراسم نماز جمعه در فداغ برگزار خواهد شد.

حاج محمد حسن‌زاده خانه عالم

کنگ و ریشه را می‌سازد

با پیگیری اداره تبلیغات اسلامی گراش، روستای محروم کنگ و ریشه صاحب خانه عالم می‌شود.

به گزارش روابط عمومی اداره تبلیغات اسلامی گراش، با پیگیری حجت الاسلام حبیب باقری رییس این اداره و رایزنی با افراد خیر اندیش روستای کنگ و ریشه، کلنگ خانه عالم این روستا ۱۳ تیرماه به زمین زده و ساخت آن شروع شد.

حجت‌الاسلام حبیب باقری در این باره گفت: هزینه ساخت این خانه عالم را فرد خیر اندیشی به نام حاج محمد حسن‌زاده منتقل شده است.



افتتاح مجتمع اداری گراش



افتتاح حوزه برادران/ آیت الله محمدی گناباتی



اردیبهشت ۸۷ در کنار حسینی- افتتاح بیت الزینب(س)



۸۸/۱/۲۹ در کنار مصوم- جشن شهرستانی گراش [عبدالرضا افشار]



۸۵/۹/۱۸ در جلسه شورای اداری بخش گراش



کارشناس تصویری



شماره ۶ - تیرماه ۱۳۹۱



کتابخانه زخم علی داورنی نون

گفتگو با اصغر اسدی پرونده جانبازی ام را گم کرده اند



اصغر اسدی

دو روز مانده بود به روز تولد حضرت ابوالفضل العباس... و ما مهمان جانبازی از خطه ی عاشقان کربلا بودیم. فردی که زندگی ساده ی دارد و خیلی راحت و خودمانی حرف می زند. حرف هایی که گاهی خاطره است، گاهی درد دل، گاهی امید به آینده و گاهی هم ...

از اولین گراشی های جبهه

اصغر اسدی جانباز ۱۵ درصدی است که در ۱۷ سالگی از طریق بسیج برای حضور در جبهه خبر می شود. او هم سریع اقدام می کند و در تاریخ ۱۶ اسفند ۵۹، در بین همان ۱۰ نفر اول اعزامی از گراش قرار می گیرد. او سابقه ی بیش از ۲۷ ماه حضور در جبهه ها دارد. خودش می گوید که شاید اولین جانباز گراش نیز باشد. او دو بار جانباز شده است، یک بار از ناحیه سر و بار دیگر از ناحیه چشم و اعضای داخلی سینه. وقتی در بمباران شیمیایی مصدوم می شود، دیگر نمی تواند به جبهه برگردد. خودش نحوه ی جانبازی اش را این گونه بیان می کند: «سال ۶۲ در عملیات والفجر ۲ در منطقه ی حاج عمران شیمیایی شدم که البته تاثیری نداشت. ولی در سال ۶۵ در منطقه جواروز، ساعتی قبل از شروع عملیات، هواپیماهای دشمن آمدند و کل منطقه را با گاز خردل بمباران شیمیایی کردند. در این حمله حدود ۳۵۰۰ نفر شیمیایی شدند که من هم جزء آنها بودم.»

کار و زندگی

از اواخر سال ۵۹ که به جبهه رفته، دیگر مدرسه نرفتم و در مرخصی هایی که به گراش سر می زدم، کار می کردم. بعد از جنگ هم مدتی در سوپرمارکت بودم و مدتی هم جنس های کوبنی توزیع می کردم. بعد از آن هم به «دبی» رفتم و بعد از سیزده، چهارده سال تجربه به گراش برگشتم و با توجه به الهاماتی که از کارخانجات و شرکت های مختلف گرفته بودم، و با توجه به نیاز شهر و کشور، اقدام به تأسیس شرکت «گراش طلا فارسی» کردم که در زمینه سبزیجات خشک و منجمد و ... فعالیت می کند.

پیگر شهید زودتر از فیلم اش رسید

بعد از لحظاتی استراحت و پذیرایی، مثل همیشه درخواست کردم خاطره ای برایمان تعریف کنید. گفت: «حدود ۳۰ ماشین از کمک های مردمی گراش را با تعدادی از رزمندگان به اهواز و منطقه عملیاتی دشت عباس بردیم. اجناس اهدایی را که تحویل دادیم، یکی از رزمندگان به نام خلیل معین زاده، یک حلقه ی فیلم ظاهر نشده به من داد و از من خواست که آن را به خانواده و مادرش برسانم. ولی من باید با یکی از رانندگان که ماموریتش گیلان غرب بود می رفتم. وقتی که به گراش بازگشتم، دیدم که پیگر شهید خلیل معین زاده زودتر از من به گراش رسیده بود.

من آن حلقه فیلم را به پسر عمه ام دادم که به خانواده اش برساند، زیرا که خودم نه طاقت دیدن مادر شهید را داشتم و نه روی دیدن او را.»

فلکهای به نام شهید جعفرزاده

و حرف آخر؟ می گوید: «اینجا نکته ای را می خواهم یادآوری کنم که بارها و بارها بر سر آن با مسئولان شهر صحبت کرده ام. یک روز قبل از اعزام به جبهه، با شهید احمد جعفرزاده و شهید زینل جعفرزاده و مرتضی پورشمسی یک عکس (که بالای مطلب می بینید) در فلکه بهشتی پیدا گرفتم. آنجا شهید احمد جعفرزاده گفت: «هر کدام از ما زودتر شهید شد، این فلکه را به اسم او می زند.» اگر چه شهید به خاطر این جور چیزها جتنگیدند، ولی به نظر می رسد که برای کسی که علم دار گراش محسوب می شود کم کاری شده است. به خاطر همین من بارها با مسئولان، مثلا شهردار گراش و فرماندار محترم و دیگر مسئولان صحبت کرده ام ولی تاکنون هیچ اقدامی نکرده اند. اگر مسئولین بتوانند یکی از فلکه هایی را که در دست احداث است به نام این شهید بزرگوار بزنند، خیلی خوب می شود. به این ترتیب هم به وصیت شهید عمل کرده اند و هم به ارزش های شهادت و شهدا احترام گذاشته اند.



از چپ: شهید احمد جعفرزاده، اصغر اسدی، مرتضی پورشمسی، شهید زینل جعفرزاده.



پیگیری خبر مسعود غفوری

گزارشی از وضعیت نامعلوم اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گراش

دو نفر برای مصاحبه استخدای به ادرای می روند. مصاحبه کننده از اولی می پرسد: «دو تا چند تا می شه؟» طرف می گوید ۴ تا. بعد از دومی می پرسد: «توان دوازدهم مجذور عدد ی رو با رسم نمودار میله ای توضیح بده.» طرف می گوید: «خوب اگه نمی خوام استخدام کنی، سراسر است بگو دیگه!»

حالا این قضیه ی افتتاح اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گراش است. ادارتی که راه انداختن شان راحت تر بود و با یکی دو کارمند می شد سر و ته قضیه را هم آورد، به سرعت افتتاح شدند؛ ولی ادارای مثل ثبت که راه اندازی اش مقدمات دارد و تجهیزات می خواهد و نیروی زیاد...

زاویه اول:

تقسیم کار ناتمام

بحث افتتاح اداره ثبت گراش از سال قبل، یعنی یک سال بعد از شهرستان شدن گراش، به صورت جدی شروع شد. آن زمان رییس اداره ثبت اسناد و املاک لارستان که هنوز امور مربوط به ثبت اسناد و املاک شهرستان گراش را انجام می داد، آقای شاهسون بود. او اکنون چند ماهی است جایش را به نفعی داده است، و خود به اداره ثبت کوار رفته است. شاهسون درباره ی قراردای اولیه ی افتتاح این اداره توضیح می دهد: «آقای حسینی مجوز افتتاح اداره را از معاونت برنامه ریزی و توسعه راهبردی ریاست جمهوری گرفته بود، به این شرط که از اداره کل ثبت اسناد و املاک فارس و استانداری، نیروهای مورد نیاز به این اداره منتقل شوند. چون بر اساس برنامه چهارم توسعه، مجوز استخدام داده نمی شد، شهرویر سال ۹۰، اداره کل اعلام کرد که از هشت نفر نیروی مورد نیاز، ۵ نفر را خودشان می دهند و برای سه نفر دیگر، آقای حسینی باید از استانداری مجوز انتقال بگیرد. ولی استانداری نیروی انتقالی اش را اعلام نکرد، تا اینکه بعدا کار سخت تر هم شد و نفرت مورد نیاز به ۱۰ نفر و بعدا به ۱۵ نفر افزایش یافت.»

البته شاهسون اعتقاد دارد هنوز هم می توان در صورت تأمین همان ۸ نفر، اداره گراش را افتتاح کرد. او اضافه می کند: «برای راه اندازی اداره ثبت گراش، هر کدام از مسئولین گراش تعهداتی دادند، از جمله این که نیرو برای استنساخ پرونده ها مشخص کنند، که کردند؛ محلی برای اداره در نظر بگیرند و تجهیز کنند، که انجام شد؛



پیگیری خبر مسعود غفوری

برای اداره ثبت کسی پیگیری نمی کند



می کنند: «من مجوز ۱۵ ردیف نیرو را از دکتر فروزنده، معاون برنامه ریزی ریاست جمهوری گرفتم، و یک نامه داده اند به استانداری فارس تا نیروهای بلاصدی را مشخص کنند تا اداره راه اندازی شود. این نامه به جهاد کشاورزی فارس هم رفته و آنها نیروهای بلاصدی شان را معرفی کرده اند، ولی الان بیشتر از شش ماه است که استانداری نیروها را معرفی نکرده است.» در صحبت های حسینی گنایه هایی هم وجود دارد، بخصوص از مسئولان شهر: «فرمانداری در این باره ماه چکار کرده است؟ مگر فقط من باید دنبال نیرو بروم؟»

حسینی به نکته ی دیگری هم اشاره می کند: «می گویند اگر نمایندگی بخواهید همین فردا شهرتان را بارها توجیه کرده ایم، و می توانیم از این آنها بپرسید.» ولی نکته ی اصلی در این گفته ی پایانی است: «مسئولان تان باید پیگیری کنند.» روابط عمومی استانداری اطلاع خاصی از موضوع ندارد، و معاونت اداری مالی هم تلفن را بی جواب می گذارد.

زاویه دوم: تجهیزات هفت دست، نیرو هیچی

مهندس هرمزی، سخنگوی شورای شهر، که از ابتدا در جریان راه اندازی اداره بوده است تأکید می کند که «این اداره یکی از اولین اداراتی بود که بعد از شهرستان شدن گراش به طور جدی دنبال شد، و حتی پیش از آن هم، یعنی از ابتدای شورای سوم، پیگیر بودیم که حداقل یک نمایندگی از آن در گراش راه اندازی شود.» مهندس هرمزی گزارش می کند که ساختمانی که برای اداره در نظر گرفته شده، متعلق به آقای اوسه است که آن را تا مدت یک سال به صورت مجانی در اختیار اداره قرار داده، و قرار شده است بعد از آن اجاره دریافت کند. علاوه بر ساختمان، کلیه لوازم اداری و رفاهی هم توسط هیات پیگیری شهرستانی و با کمک خیرین تهیه شده است. او مجوز استخدام داده نمی شد، شهرویر سال ۹۰، اداره کل اعلام کرد که از هشت نفر نیروی مورد نیاز، ۵ نفر را خودشان می دهند و برای سه نفر دیگر، آقای حسینی باید از استانداری مجوز انتقال بگیرد. ولی استانداری نیروی انتقالی اش را اعلام نکرد، تا اینکه بعدا کار سخت تر هم شد و نفرت مورد نیاز به ۱۰ نفر و بعدا به ۱۵ نفر افزایش یافت.»

زاویه سوم:

در انتظار استانداری

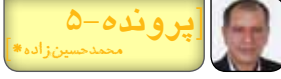
تجربه به ما نشان داده است که فرمانداری در این گونه مسایل جواب سراسرستی به روزنامه نگاران نمی دهد. ولی گفتگوی تلفنی با نماینده سابق گراش در مجلس کار راحتتری است. حسینی مثل همیشه صریح صحبت می کند: «برای راه اندازی اداره ثبت اسناد و املاک فارس و استانداری مجوز استخدام داده نمی شد، شهرویر سال ۹۰، اداره کل اعلام کرد که از هشت نفر نیروی مورد نیاز، ۵ نفر را خودشان می دهند و برای سه نفر دیگر، آقای حسینی باید از استانداری مجوز انتقال بگیرد. ولی استانداری نیروی انتقالی اش را اعلام نکرد، تا اینکه بعدا کار سخت تر هم شد و نفرت مورد نیاز به ۱۰ نفر و بعدا به ۱۵ نفر افزایش یافت.»

زاویه چهارم:

حالا که تمام راه های جذب نیرو به مرکز استان، یعنی اداره کل ثبت اسناد و املاک فارس و همچنین فرمانداری فارس ختم می شود، شاید تماس با اینها بتواند اطلاعات بیشتری به این گزارش بیاورد. امیدواری ای که خیلی زود رنگ بخت. روابط عمومی اداره کل ثبت فارس برای جواب دادن به این سوال که «اداره ثبت اسناد و املاک فارس و استانداری مجوز استخدام داده نمی شد، شهرویر سال ۹۰، اداره کل اعلام کرد که از هشت نفر نیروی مورد نیاز، ۵ نفر را خودشان می دهند و برای سه نفر دیگر، آقای حسینی باید از استانداری مجوز انتقال بگیرد. ولی استانداری نیروی انتقالی اش را اعلام نکرد، تا اینکه بعدا کار سخت تر هم شد و نفرت مورد نیاز به ۱۰ نفر و بعدا به ۱۵ نفر افزایش یافت.»

زاویه پنجم:

مهندس هرمزی، سخنگوی شورای شهر، که از ابتدا در جریان راه اندازی اداره بوده است تأکید می کند که «این اداره یکی از اولین اداراتی بود که بعد از شهرستان شدن گراش به طور جدی دنبال شد، و حتی پیش از آن هم، یعنی از ابتدای شورای سوم، پیگیر بودیم که حداقل یک نمایندگی از آن در گراش راه اندازی شود.» مهندس هرمزی گزارش می کند که ساختمانی که برای اداره در نظر گرفته شده، متعلق به آقای اوسه است که آن را تا مدت یک سال به صورت مجانی در اختیار اداره قرار داده، و قرار شده است بعد از آن اجاره دریافت کند. علاوه بر ساختمان، کلیه لوازم اداری و رفاهی هم توسط هیات پیگیری شهرستانی و با کمک خیرین تهیه شده است. او مجوز استخدام داده نمی شد، شهرویر سال ۹۰، اداره کل اعلام کرد که از هشت نفر نیروی مورد نیاز، ۵ نفر را خودشان می دهند و برای سه نفر دیگر، آقای حسینی باید از استانداری مجوز انتقال بگیرد. ولی استانداری نیروی انتقالی اش را اعلام نکرد، تا اینکه بعدا کار سخت تر هم شد و نفرت مورد نیاز به ۱۰ نفر و بعدا به ۱۵ نفر افزایش یافت.»



پیرونده ۵ مسدودین زاده

سرمایه گذاری یا سپرده گذاری

بعضی از بانک ها و موسسات مالی اعتباری مستقر در شهر گراش باعث گرانی اجاره بها و مانع کار و کارآفرینی در شهرستان گراش شده اند.

در دهه هفتاد پس از آزادسازی قیمت ها موسسات مالی در شهر گراش به صورت قاچ در خیابان اصلی سرد آوردند که حتی بعضی از موسسات به فاصله ۱۰ متری یکدیگر در حال رقابت هستند. کار آن ها جمع آوری نقدینگی جهت سپرده گذاری بلندمدت و ارسال آن به مرکز برای سرمایه گذاری کلیدی در تولید و صنعت و بازرگانی در شهرستان های دیگر است.

سوال اینجاست: موسسه های مالی فوق الذکر به جز جمع آوری نقدینگی با ترفندهای مختلف چند درصد از سپرده های مردم گراش را در کارهای زیربنایی کلیدی تولید و صنعت و تجارت در شهرستان گراش سرمایه گذاری کرده اند؟

برای آگاهی سپرده گزاران

این یک داستان واقعی است. درسال ۱۳۷۲ از سرمایه سپرده گزاران این شهر به چهار نفر از شهر میبد کارخانه کاشی و سرامیک عقیق مبلغ سیصد و بیست میلیون تومان در یکی از موسسات مالی به صورت تسهیلات پرداخت شده و کارخانه فوق با همان مبلغ تأسیس و راه اندازی شده که ارزش واقعی امروز حدوداً بیست و چهار میلیارد تومان می باشد. خوب محاسبه کنید فرق بین سرمایه گذاری و سپرده گذاری... و تشخیص با سپرده گزاران است که در تولید و صنعت و تجارت سرمایه گذاری کنند یا سپرده گذاری؟ تا آنجا که بزرگان شهر به یاد دارند هیچ بانک های مستقر در گراش به نفع مردم در هیچ پروژه ای سرمایه گذاری نکرده اند و متأسفانه فقط به فکر منافع خود بوده اند! «مدیرعامل شرکت بازرگانی نوین تجارت فارس

نوبت جواب دادن به سوال

سخت

چهار جوان همشهری مان در بالاتکلیفی مانده اند و امیدشان را به آینده بسته اند. عده ی زیادی از همشهریان گراشی مجبورند برای انجام امور ثبتی، که خیلی هم زمان بر است، به لار بروند. مهلت یک ساله ی خیر ساختمان دارو رو به اتمام است، و تابلوی «اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گراش» دارد رنگ می بازند، و این در حالی است که این اداره یکی از ادارات بسیار پردرآمد است.

زاویه غمناک

آنهایی که در افتتاح هر ادارای خود را امر اول می دانستند و پیگیری های خود را رکن اصلی جلوه می دادند؛ آنهایی که به قول آن مسئول استانداری «باید بهتر توجیه بشوند و بیشتر پیگیری کنند»؛ شاید وقت آن است که به سوال های سخت هم پاسخ دهند!

زاویه ششم:

پس بگیرم. در این حالت پول فرد را می گیریم و با ضمانت کافی به شخصی که می خواهد وام می دهیم. موارد دیگر هم هر چقدر نقدینگی داشته باشیم وام می دهیم. شرایط وام دادن تان چطور است؟ خوب ضامن می خواهیم و بدون چک هم وام نمی دهیم. چک موسسه ها هم قبول نمی کنیم چک بانکی. فقط به گراشی های وام می دهیم. متقاضی برای وام زیاد داریم و نقدینگی مان کم است اگر مرد باشد یک چک خودش و یک چک ضامن و اگر زن باشد فقط یک چک ضامن. مسئول تأیید پرداخت وام خودم هستم.

سخت

چهار جوان همشهری مان در بالاتکلیفی مانده اند و امیدشان را به آینده بسته اند. عده ی زیادی از همشهریان گراشی مجبورند برای انجام امور ثبتی، که خیلی هم زمان بر است، به لار بروند. مهلت یک ساله ی خیر ساختمان دارو رو به اتمام است، و تابلوی «اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گراش» دارد رنگ می بازند، و این در حالی است که این اداره یکی از ادارات بسیار پردرآمد است.

نوبت جواب دادن به سوال

سخت

چهار جوان همشهری مان در بالاتکلیفی مانده اند و امیدشان را به آینده بسته اند. عده ی زیادی از همشهریان گراشی مجبورند برای انجام امور ثبتی، که خیلی هم زمان بر است، به لار بروند. مهلت یک ساله ی خیر ساختمان دارو رو به اتمام است، و تابلوی «اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گراش» دارد رنگ می بازند، و این در حالی است که این اداره یکی از ادارات بسیار پردرآمد است.

زاویه غمناک

آنهایی که در افتتاح هر ادارای خود را امر اول می دانستند و پیگیری های خود را رکن اصلی جلوه می دادند؛ آنهایی که به قول آن مسئول استانداری «باید بهتر توجیه بشوند و بیشتر پیگیری کنند»؛ شاید وقت آن است که به سوال های سخت هم پاسخ دهند!

زاویه ششم:

پس بگیرم. در این حالت پول فرد را می گیریم و با ضمانت کافی به شخصی که می خواهد وام می دهیم. موارد دیگر هم هر چقدر نقدینگی داشته باشیم وام می دهیم. شرایط وام دادن تان چطور است؟ خوب ضامن می خواهیم و بدون چک هم وام نمی دهیم. چک موسسه ها هم قبول نمی کنیم چک بانکی. فقط به گراشی های وام می دهیم. متقاضی برای وام زیاد داریم و نقدینگی مان کم است اگر مرد باشد یک چک خودش و یک چک ضامن و اگر زن باشد فقط یک چک ضامن. مسئول تأیید پرداخت وام خودم هستم.

سخت

چهار جوان همشهری مان در بالاتکلیفی مانده اند و امیدشان را به آینده بسته اند. عده ی زیادی از همشهریان گراشی مجبورند برای انجام امور ثبتی، که خیلی هم زمان بر است، به لار بروند. مهلت یک ساله ی خیر ساختمان دارو رو به اتمام است، و تابلوی «اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گراش» دارد رنگ می بازند، و این در حالی است که این اداره یکی از ادارات بسیار پردرآمد است.

گفتگو با حاج زین العابدین خواجه زاده رییس هیات مدیره صندوق قرض الحسنه خاتم الانبیا

فقط ما قرض الحسنه ی واقعی هستیم



عکس: کیما خواجه زاده

حاج زینل العابدین خواجه زاده بعد از شیخ محمدعلی زاهدی رییس هیات مدیره صندوق قرض الحسنه گراش است. صندوق سه نفر کارمند گراشی دارد ولی حاج زینل می گوید که در هیات مدیره دست تنهاست. با وجود سرمایه اندک صندوق اولین گزینه کسانی است که کارشان لنگ مبلغی است و گذر همه برای تأیید وام به حاج زینل می افتد. حاجی می گوید که صندوق الحسنه تنها جایی است که واقعاً قرض الحسنه می دهد.

چه سالی صندوق قرض الحسنه تشکیل شد؟

سال ۱۳۶۲ صندوق تشکیل شده است. هیئت مدیره آقای شیخ محمد علی زاهدی، خودم، حاج ابوالحسن حسینی و حاج احمد درویشی و رضا ایزدی و محمود شمسی بودیم و جعفر رسولی نژاد و آقا عباس معصومی دو بازرس بودند. در حال حاضر رئیس خودم هستم و منشی آقای ایزدی و احمد درویشی و رحمت حمیایی الان مدیر عامل است آن ها هیئت مدیره هستند. هیئت انما هم آقای نوروزی و علی دیباچی و منوچهری. دو بازرس همان قبلی ما هستند.

ایده اولیه صندوق قرض الحسنه کی شکل گرفت؟

امام صادق می گوید: قرض بالاتر از صدقه است. قرض گیرنده همیشه از روی نیاز قرض می گیرد ولی صدقه گیرنده گاهی ممکن است نیاز نداشته باشد. شروع کار برای کمک به دیگران بود آن موقع ها با صد تومان کلی از مشکلات حل می شد برای درمان بود یا مشکل مالی داشتند. طرف که با همین مقدار کارش راه می افتاد برای سرمایه نبود برای پیشرفت در کار بود. جلسه ای در حوزه علمیه با حضور سیدعباس معصومی داشتیم و در آن هیئت مؤسس تشکیل شد. آن هایی

مجاز هم دارید؟

ما وابسته به سازمان اقتصاد اسلامی هستیم و سازمان زیر نظر بانک مرکزی است. از لحاظ پروانه هم مشکلی نداریم. می افتاد برای سرمایه نبود برای پیشرفت در کار بود. جلسه ای در حوزه علمیه با حضور سیدعباس معصومی داشتیم و در آن هیئت مؤسس تشکیل شد. آن هایی



شعر صادق رحمانی

برای اولین بار در ایران در همایش اسب‌های ماندگار

شهدای شهرستان شناسنامه گرفتند

گریشنا: ساعت ۹ هنوز هم صندلی‌های سالن تکمیل نشده بود و به گفته یکی از حاضرین مشکل این بوده که کسی نمی‌دانسته این همایش عمومی است یا خصوصی. جلو ورودی سالن با چیدمانی از سنگر و سه تابوت و در محوطه داخلی دوپاره زلزله در لار، وقت نزدیک است غبار فاجعه پیچیده، راه تارک است چه شد که اینه را در غبار آوردند سبسد گل حسرت به لار آوردند تمام اینه ها در غبار گم شده است تو رفتی و کلید بهار گم شده است تو رفته بودی شیراز - باز آمده‌ای که از مصاحبت اهل راز آمده‌ای دلم برای تو تنگ است در شب خرداد امید آمدنت را کسی به من می‌داد دوانده در دل ما اشتیاق دیدارت عصلی خسته چوبین و نصف سیگارت دویاره آمده‌ای روبه‌روت بنشینیم میان همه‌ها، در سکوت بنشینیم گلیم کهنه مهبیست، اندکی بنشین که تار و پود تو دریاست، اندکی بنشین هنوز می‌شوند گرمی صدای تو را حیاط خانه‌ی خشتی و جای پای تو را بگو به «مش رجب» آقا که جای رادم کن به لحن تلخ، بگویش که ماجرا کم کن! بگیمش-رجب-جانم-چشمه-چست-پوشیده؟ تونده‌ای می‌دانم که خواب می‌دیده... هوای گریه‌ی یکریز دارد ایس بهار صدای قاری و گلدسته‌ها و سنگ مزار می‌توان یک نکته‌ی مهم هم اضافه کرد: هر سال باید این جشنواره را از نو شروع کرد. عبدالعلی صلاحی به عنوان دبیر اجرایی جشنواره، جلسه را با طرح دو مساله کلی شروع کرد: برگزاری یا عدم برگزاری جشنواره در سال جاری، و کنار رفتن خودش از سمت پر دردرس دبیر اجرایی به خاطر مشغله کاری و درسی. او گزارش داد که چهارم آبان‌ماه تاریخی است که برای برگزاری جشنواره از سوی اداره کل ارشاد فارس اعلام شده است، و بودجه‌ای ۲۴ میلیون تومانی برای جشنواره امسال در نظر گرفته شده است که افزایش قابل توجهی نسبت به سال‌های قبل دارد. مهندس قایدی، شهردار گراش هم با بیان این که جشنواره و برگزاری کنندگان آن حمایت معنوی ندارند، درباره مزیت‌های معنوی جشنواره برای شهر صحبت کرد. او گفت: «مروزه یکی از شاخصه‌های توسعه شهر در هر منطقه، توسعه فرهنگی است.» او اذعان کرد که برخی از فعالیت‌های فرهنگی گراش در شهرهای دیگر استان هم وجود ندارد، و این را نشانه‌ی پتانسیل موجود دانست و تاکید کرد: «اصلا نباید بحث تعطیلی جشنواره را پیش کشید. شما فعالین



سردار غیب‌پرور در پایان صحبت‌هایش افزود: این جلسات در واقع تلنگری است برای ما تا خواست شهیدان را از یاد نبریم، و گرنه شهدای ما نیازی به شناسنامه ندارند. **۱۰ شناسنامه برای شهید** قبیل از اهدای شناسنامه‌ها کلیبی از خاکسپاری شهدای گراش پخش شد که حاضرین با چشمان خیس آن را دیدند. در پایان این همایش شناسنامه‌ها اهدا شد. شناسنامه سردار خواست‌خدایی به

فرهنگی هم اگر بخواهید حرفی برای گفته داشته باشید، باید سعی کنید چراغ این جشنواره روشن بماند.» مهدی آینه‌افروز که به نوعی نماینده ارشاد لارستان هم محسوب می‌شود یادآوری کرد: «درست است که بحث بودجه‌ی مالی جشنواره دو سال است از ارشاد لارستان جدا شده است، ولی مالکیت معنوی جشنواره همچنان در اختیار اداره ارشاد لارستان است. آقای عالی حسینی، رئیس اداره، همین امروز گفت اگر شما نمی‌توانید جشنواره را در گراش برگزار کنید، من نمی‌گذارم این جشنواره از لارستان خارج شود و همین‌جا در لار آن را برگزار می‌کنیم.» آینه‌افروز با اشاره به این که عالی حسینی در آخرین اظهارنظرش گفته است: «مور گراش هیچ ربطی به من ندارد و هیچ حکمی در این خصوص برای من صادر نشده است.» بار دیگر به شورا و فرمانداری یادآوری کرد که باید پیگیر راه‌اندازی اداره ارشاد گراش باشند.

داستانی برای کودکان بزرگسال



شاردلو (مار) گفت: «همی‌دونم، ما خودمونم نمی‌دونیم کجاییم. فقط می‌دونیم که اینجایم. می‌خوایم کمی استراحت کنیم و گلوبی تازه کنیم؟» رییس سه تا مرد (زدها) گفت: «هه، ممنون. ما هیچ‌وقت چیزی رو که به ما می‌دن نمی‌گیریم. فقط چیزایی رو که مردم به ما نمی‌دن می‌گیریم. از این راه امرار معاش می‌کنیم. حالا چیزی هست که نخواین ما داشته باشیم؟»

این قسمتی از کتاب «دره‌ی شادی» است: اثری از اریک برن که به صورت قصه برای کودکان نوشته شده است. اریک برن یک روان‌شناس مشهور و پایه‌گذار نظریه «تحلیل رفتار متقابل» است. بنابراین تعجبی ندارد که این کتاب فقط یک داستان سرگرم‌کننده برای کودکان نباشد. روی جلد کتاب هم نوشته شده «داستانی برای کودکان بزرگسال» نقاشی‌های داخل کتاب به سبک دهه ۱۹۶۰ است. همان طور که در مورد کتاب گفته شده، نباید گول تصویرهای کودکانه را خورد چرا که این کتاب فقط برای کودکان نوشته نشده است و شخصیت‌پردازی‌ها بر پایه نظریه «تحلیل رفتار متقابل» شکل گرفته و روابط اهالی دره «همان بازی‌هایی است که مردم می‌کنند» داستان از این قرار است که ماری به نام «شاردلو» هر وقت می‌ترسد، چنبره می‌زند و حلقه می‌شود. یک روز صبح وقتی بالای تپه چرت می‌زند، خواب بدی می‌بیند و از ترس چنبره می‌زند و مثل چرخ به طرف پایین دره قل می‌خورد. در آنجا با حیوانات دیگری روبه‌رو می‌شود که اتفاقات جالبی هم به دنبال دارد. در داستان نشان داده شده که حیوانات می‌توانند خیلی ساده و خوب در کنار هم زندگی کنند، ولی عواملی هست که نمی‌گذارد زندگی به آنها بچسبند و از ناراحتی‌ها دور باشند. در گزیده‌ی بالا، رییس دره‌ها می‌گوید: «فقط چیزایی رو که مردم به ما نمی‌دن می‌گیریم»، که اگر دقت کنید همین یکی از خصلت‌های بعضی از آدم‌ها است که نوازش صمیمانه و بی‌غل و غش را نمی‌پذیرند و درخواست محبت و توجه هم از کسی نمی‌کنند، بلکه در عوض سعی می‌کنند که به زور از طرف نوازش دریافت کنند که خود او مایل به دادن آن نیست! یا اگر اطلاعاتی لازم دارند مستقیماً از طرف نمی‌پرسند بلکه می‌خواهند با دوز و کلک از زیر زبان‌اش در بکشند و جوری که خودش نفهمد سرش بازی در بیاورند! خود اریک برن در این رابطه حرف جالبی دارد: «زندگی در واقع بسیار ساده است، ولی مردم تا این واقعیت را می‌فهمند، عصبانی می‌شوند. به همین دلیل کیش‌ها و آیین‌ها، گذشته و بازی‌ها را اختراع می‌کنند.» توصیه می‌کنم که این کتاب را برای کودکان‌تان بخرید چرا که کتابی است هم جالب و هم آموزنده.

دره‌ی شادی. اریک برن، ترجمه کیان فروزش، تهران: نشر دایره، ۱۳۹۰.

با همه دردسرها کل برگزار می‌شود

جلسه‌ی هل دادن برای استارت جشنواره

مسعود غفوری: جشنواره‌های فرهنگی معمولاً بازده کوتاه‌مدت ندارند؛ انرژی زیادی می‌طلبند؛ بودجه‌ی درست و درمانی ندارند؛ دست‌اندازهای اداری بخش زیادی از توان برگزار کنندگان را می‌گیرد؛ و خلاصه برگزار کردن‌شان سر پر درد و روحیه‌ی خستگی‌ناپذیری می‌خواهد. درباره‌ی جشنواره فیلم کوتاه کل گراش، به همه‌ی اینها می‌توان یک نکته‌ی مهم هم اضافه کرد: هر سال باید این جشنواره را از نو شروع کرد. عبدالعلی صلاحی به عنوان دبیر اجرایی جشنواره، جلسه را با طرح دو مساله کلی شروع کرد: برگزاری یا عدم برگزاری جشنواره در سال

لوازم خانگی محمد پور

فروش کولر اسپیلیت ایستاده باقیمت مناسب

DAEWOO

آدرس: تهران، خیابان خاکی محمدپور، تلفن: ۲۲۲ ۲۲۱۷

جهت امکان مذهبی با تخفیف ویژه

لوازم خانگی محمد پور

SUNNY سانای کولر اسپیلیت چند پانله

پنکه ایستاده چهار منظوره فقط مدل DWS_2504

آدرس: گراش، لوازم خانگی محمدپور تلفن: ۲۲۲ ۲۲۱۷

آبشیرین کن حسین زاده

با قیمت های استثنای و بلورنکردن

تخفیف ویژه فقط بایک تملس تحویل ونصب رایگان جهت دارندگان مسکن مهر

فروش ونصب آب شیرین کن خانگه ۵-۶ مرحله - نصب رایگان

۱۸ ماه گارانتی / ۱۰ سال خدمات پس از فروش / فروش ونصب پکیج دیواری - زمینه وردیاتویر

گراش، روبروی گراش ستر، محل سابق به آرم و اسم فروشگاه دقت فرمایید.

تلفن دفتر فروش: ۰۹۱۷ ۵۱۶۱ - ۰۹۱۷ ۵۲۱۱

فکس: ۰۲۲۲۶۵۲۴ - ۰۲۲۲۲۰۶۲۲ - ۰۷۸۲

شعبه دیگری ندارد!

فرزاد علی مالدار

کسب مقام اول در رشته کنگه فو تو آ در مرحله استانی مایه افتخار ماست. موفقیت آینده شما را از خداوند متعال خواستاریم. همچنین از مربیان زحمتکش شما ابوالقاسم رزاق پور و عباس مهبیانی تشکر به عمل می آید. مادر بزرگها، پدر، مادر و خواهرت

تولید کابینت آشپزخانه MDF با پیشرفته‌ترین ماشین آلات روز دنیا PVC

تولید درهای اتاقی MDF تمام چوب کمه دیواری، نرده، راه پله

با پیشرفته‌ترین ماشین آلات روز دنیا CNC طراحی در و حکاکی نقش برجسته به دلخواه مشتری

نشانی: گراش - جاده لار - صنعت چوب محبی - جنب شرکت سایپا

تلفن: ۰۲۲۲۶۵۲۴ - ۰۲۲۲۲۰۶۲۲ - ۰۷۸۲



نظاره عباس پور - چهار ساله



فاطمه سرخی - هشت ساله



زهرا قنبریور - هفت ساله



باران نیکنام - چهار ساله



اسما زارعی - شش ساله

خط خاطره
مستفی کارگر

برادران دو قلویی که همسرشان هم دوقلو هستند

یک زندگی
راحمه بهادر

عکس نوشت
عزیز نوبهار

باید از او خاطره‌های داشته باشم

در چند شماره آینده می‌خواهم معدود خاطرات خودم از شهدا را بنویسم که قاعدتا مربوط می‌شود به شهدای فامیل. یادکردی که زاینده‌ی ذهن یک جوان دهه شصتی‌ست. کسی که جنگ را ندیده اما تا حدودی اثراتش را لمس کرده و بعد از جنگ، در ادبیات مربوط به آن نفس‌هایی کشیده است. بنابراین آنچه خواهم نوشت در همین شهر اتفاق می‌افتد و جلوه‌ای دیگرست از وجوه شخصیتی آن شهید.

جنگ که تمام شد من تازه هشت سالم بود. یکی از آن شهدایی را که باید می‌شناختم، شهید حسنعلی کارگر است که زمان شهادتش، من دو سه ساله بودم. به همین خاطر چیزی از او یادم نیست. فقط سال‌ها بعد چند کتاب از این شهید عزیز، توسط مادرش (خاله‌ی پدرم) به من رسید که نشان می‌داد آدمی بوده است. چیزی که کم اتفاق می‌افتد. امروزه او به نظر من یکی از چند شهید مظلوم و گمنام شهرم هست که در کنار دیگر رفیقانش کمتر نامی از او برده می‌شود. حتی عکسش که روی دیوار کنار در ورودی پایگاه علی ابن ابیطالب^(ع) در مدرسه علمیه چهارده معصوم^(ع) بود هم به خاطر تجدید بنا، از بین رفت و حالا نشانی از آن نیست. خاطره‌ی من از ایشان این است که او را به یاد ندارم، حیف!

دو زندگی آرام و شبیه به هم

می‌گفتم به من نگفتید و به آن یکی گفته‌اید و این طوری مثلاً می‌خواستیم از زیر کار در برویم. تفاوت‌هایی هم داریم. مثلاً صدیقه بیشتر اهل کارهای هنری است و من بیشتر کارهایی را دوست دارم که مردانه‌تر و فنی است؛ مثلاً تعمیر دوچرخه و موتورسیکلت. تازه تا حالا چند تا را هم تعمیر کرده‌ام. عقد و عروسی‌مان با هم بود و یک سفره‌ی عقد مشترک داشتیم. جاری بودن در کنار نقش خواهری، زندگی را برامان لذت‌بخش‌تر کرده است و تا حالا هیچ جر و بحثی با هم نداشته‌ایم و این باعث تعجب همه است و کمتر کسی باورش می‌شود. دوست داشتیم بچه‌مان هم دوقلو باشند اما خواست اشتراکاتی است که باعث شده به هم خدا چیز دیگری بود. زندگی ما پر از اشتراکاتی است که باعث شده به هم نزدیک‌تر باشیم و این اشتراکات فراوان زندگی را شیرین‌تر کرده است.

زندگی مشترک دوزخ دوقلو
اسد و حسین آغاز، متولد بیست و پنجم فروردین شصت و چهار در خانواده‌ای به دنیا آمده‌اند که هفت پسر هستند. اسد و همسرش صدیقه پورشمسی هر دو راست دست هستند و حسین و همسرش خدیجه پورشمسی هر دو چپ دست. عروسی دو برادر با هم بوده و حالا اسد یک پسر دو ماهه به نام علی و حسین یک دختر یازده ماهه به نام فاطمه دارد. صدیقه و خدیجه هم هفت دختر هستند. زندگی دو خواهر و دو برادر با نقش‌های جاری و باجناق آرام و با شباهت زیاد به هم می‌گذرد.

هستیم مدیون زحمات او هستیم. اسد وقتی کودک بود همیشه خندان بود و برای همین پدرمان به او می‌گفت «اسد خوش خنده» و به خاطر علاقه به کارهای فنی «اسد آرمیچر» هم بهش می‌گفتند. اسد می‌گوید هنوز هم هر چیزی را تعمیر می‌کنم و آنقدر با آن کلنجار می‌روم تا درست بشود. حسین می‌گوید، اسد خونسترتر و او کمی زودجوش است.

همسران؛ خدیجه و صدیقه
با همسران‌مان فقط یک سال تفاوت سنی داریم و با همدیگر فقط ده دقیقه. متولد چهاردهم آذرماه شصت و پنج در گراش، و چون در فامیل دوقلو داشتن سابقه داشت، تولد ما راهنمایی که سال آخر تحصیل‌مان بود هم‌کلاس بودیم. «دوم راهنمایی بود که حسین قبول شد و اسد قبول نشد. حسین به اسد گفت، باید با هم باشیم و برای همین برگشت و دوباره نشست سر کلاس دوم. حتی ترک تحصیل‌مان نتیجه‌ی یک تصمیم مشترک بود. تا دوم راهنمایی دیگر نه کششی مانده بود و نه علاقه‌ای. حتی برای اذیت و بازگوشی با هم بودیم و در نتیجه اخراج‌مان از کلاس هم با هم بود.

و تا حالا تصمیمی نگرفته‌ایم که روی زمین بماند. اسد ادامه می‌دهد، نمی‌دانم چطور شد که شغل‌مان متفاوت شد! من برق کاری و حسین رنگ کاری دارد. کارمان یکجا و برنامه‌ی زندگی‌مان در مسیری است که بیشتر جاهایش مشترک است و از این بابت خوشحالی‌م.

کودکی
«کویت به دنیا آمده‌ایم و فقط دو ماه آنجا بودیم. اسد یک ساعت از حسین بزرگتر است. اغلب جر و بحث‌های کودکی‌مان هم سر همین مساله بود که کدام بزرگتر است، خیلی برامان حیاتی بود و آخرش هم هیچ کدام کوتاه نیامدیم. تا دوم راهنمایی که سال آخر تحصیل‌مان بود هم‌کلاس بودیم. «دوم راهنمایی بود که حسین قبول شد و اسد قبول نشد. حسین به اسد گفت، باید با هم باشیم و برای همین برگشت و دوباره نشست سر کلاس دوم. حتی ترک تحصیل‌مان نتیجه‌ی یک تصمیم مشترک بود. تا دوم راهنمایی دیگر نه کششی مانده بود و نه علاقه‌ای. حتی برای اذیت و بازگوشی با هم بودیم و در نتیجه اخراج‌مان از کلاس هم با هم بود.



اما خانواده خیلی دوست داشتند و راه زندگی‌مان یکی شد.

دو برادر، دو دوست
«بیشتر رفتارهایمان شبیه هم است. می‌زنیم و تازه موضوع حرف‌مان یکی است؛ یعنی همزمان داشته‌ایم به یک چیز فکر می‌کرده‌ایم. همیشه برای هر کاری با هم مشورت می‌کنیم؛ از یک گردش ساده تا کارهای بانکی و مسافرت و خریدمان با هم است. برنامه‌ی زندگی‌مان خدایی متفاوت نیست. هیچ وقت هم یکی‌مان دلش نخوایسته جور دیگری زندگی کند و از همین زندگی که داریم، راضی هستیم.» حسین می‌گوید، وقتی تصمیمی بگیریم، حتما تلاش و به آن عمل می‌کنیم

«خیلی اتفاقی زندگی‌مان شبیه هم شد.» اسد می‌خندد و حسین حرف‌اش را تایید می‌کند. وقتی زن پدر بزرگ اسد و حسین، برای ازدواج، صدیقه و خدیجه را به آنها معرفی می‌کند، خودشان هم نمی‌دانستند همسرانشان دوقلو هستند. با هم نسبت فامیلی دور دارند و وقتی متوجه این موضوع شدند، باعث تعجب‌شان شد. اسد می‌گوید، در ابتدا حسین خیلی تمایلی به ازدواج نداشت اما ازش خواستم بیاید و باجناق خودم بشود. این بود که با هم ازدواج کردیم. از آن طرف، صدیقه و خدیجه هم وقتی قضیه‌ی دوقلو بودن برادرها را می‌فهمند، شگفت‌زده می‌شوند. خدیجه می‌گوید، صدیقه خیلی تمایلی نداشت که جاری هم بشویم

پنج شیطان کچل در عروسی



هر عکس‌نگاهی تثبیت‌شده است به درون زمان. شاید به خاطر همین است که در این عکس ما به‌تازده به دوربین نگاه می‌کنیم؛ هنوز باورمان نشده است که می‌شود یک کادر را از زمان جدا کرد و گذاشت گوشه‌ای از آلبوم تا هر بار که دل‌مان هوس آن روزها را کرد به سراغ‌اش برویم. شما در این عکس من (ایستاده از سمت راست)، برادرم (نشسته از سمت چپ) و پسر عمه‌هایم را می‌بینید. پنج پسر بازیگوش و تقریباً هم‌سن که با بهترین پوشش‌مان به جشن عروسی دختر عمه‌ی دیگرمان آمده‌ایم. چهار نفرمان کچل‌ایم و معلوم نیست حسین، پسر عمه‌ام چرا وسط سال تحصیلی مو دارد! شاید زد و پندی با مسئولین مدرسه داشته است! چهره آفتاب سوخته‌مان هم شاهد این ماجراست که هنوز هیچ نوع بازی رایانه‌ای اختراع نشده است و ما ساعت‌های زیادی را در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر به سر می‌بریم؛ سر پنجه‌های دست‌مان با علی‌گازی‌ها و تپله‌های تیردست آشنا هستند و کفش‌های کتانی‌ای که به پا داریم، سرعت‌مان را از گریه‌های محله زیادت می‌کرد.

این جایی که ما ایستاده‌ایم مکانی است که برای نشستن عروس و داماد طراحی شده است. در این عکس هر چند فرش و پارچه‌های زری روی دیوارها از سنتی بودن برنامه‌های این جشن حکایت دارند، اما پوشش ما و گل‌های مصنوعی از نفوذ مَد‌گرایی و تکنولوژی به درون سنت‌های ما خبر می‌دهند. اما یک رکن دیگر هم وجود دارد که نشان می‌دهد برگزارکنندگان این جشن آدم‌های سنتی‌ای هستند: قلیان! رکن جدایی‌ناپذیر مردم گراش در دهه پنجاه.

هر عکس‌نگاهی تثبیت شده است به درون زمان. ما با ورق زدن آلبوم‌هایمان نه تنها خاطرات‌مان را مرور می‌کنیم بلکه با خود مانده در تونل زمان‌مان حرف می‌زنیم.

محمد، حسن، حسین و غلام‌حسین؛ هنوز یاد شیرین بازی‌ها و دوستی‌های کودکی‌مان در فراخانی ذهن‌مان زنده است.

نشانی: گراش. ابتدای جاده گراش به لار
تلفن: ۰۲۲۳۱۴۳۰ - ۰۲۲۳۱۴۲۰ (صبح و عصر)





کد نمایندگی: ۵۵۴۰



مدیرعامل: فرسوده

ثبت نام و پیش فروش
فروش سه ماهه، شش ماهه و یک ساله



فروش قطعات یدکی
صافکاری
نقاشی اتومبیل با رنگ کوره‌ای



مکانیک اتومبیل
برق خودرو
جلوبندی
دستگاه دیگ
چکاپ کامل

۰۰۹-----۰۹۳۹: از مسئولین اداره برق گزارش تقاضا می‌شود نسبت به جمع آوری پایه‌های برق اضافی در سطح شهر و پیاده‌روها اقدام کنند. پایه‌های اضافی نمای شهر را به طور کلی از بین برده است. نمونه‌اش پیاده رو جلوی پارک شهر که زیبایی این پارک نوسازی شده از بین رفته است.

۰۰۹-----۰۹۳۹: از شهردار تلاشگر و خوب شهرمان تقاضا داریم هر چه سریع‌تر نسبت به نصب سرعت‌گیرها در خیابان اصلی اقدام نمایند. تصادفات زیاد شده است.

شهروند: آسفالت خیابان امام به پایان رسید. با تشکر زحمات انجام شده برای بهتر دیده شده کار انجام شده باید هر چه سریع‌تر خط‌کشی خیابان نیز به صورت کارشناسی انجام شود. به جای سرعت‌گیرهای غیر استاندارد قبلی از خطوط پیاده‌رو استفاده شود.

۶۶۱-----۰۹۱۰۷: چسرا با وجود پیگیری‌های حضوری و ارسال نامه و عکس از کوچه‌ای که باغ آقای پوستی در انتهای آن قرار دارد. نسبت به زمین‌های پابری که دست‌دلان افتاده و زمین‌هایی که فروخته شده و بی‌حصار و پر آشغال رها شده شهردار محترم دستوری صادر نمی‌کنند؟

حیدری: گزارش خانم بهادر را خواندم. خیلی زیبا بود. دست‌شان درد نکند و برای محمد عزیز آرزوی موفقیت در تمام مراحل زندگی دارم. در روز شهادت موسی ابن جعفر شقای چشمان این روشندل را از خواندن مهربان خواستم.

سنتاره: آقای جعفرپور عضو کمیسیون فرهنگی است و باید برای راه‌اندازی اداره فرهنگ و ارشاد در گراش زودتر اقدام کند. زشت است که یک نماینده عضو کمیسیون فرهنگی در یکی از شهرستان‌های حوزه انتخابیه‌اش اداره ارشاد نداشته باشد.

به خاطر نبودن اداره ارشاد فعالیت فرهنگی گراش خوابیده است و کسی جوابگو نیست.

مریم.ه: آقای شهردار پس بهسازی و آبادسازی بوستان شهر چه شد و کی تمام می‌شود؟

سعید قاسمی: خدا را شکر هنوز زنده هستیم و این آسفالت شهرمان عوض شد. وقتی که روی آسفالت حرکت می‌کردی انگاری سوار شتر بودی.

پورشمسی: ماه مبارک رمضان نزدیک از خیرین عزیز خواهشمندم به جای طعم دادن به یک عده افراد مشخص و مسئولین اطفاری‌ها خود را برای نیازمندان و افراد مستحق تهیه کنند و تمیزی ببینند.

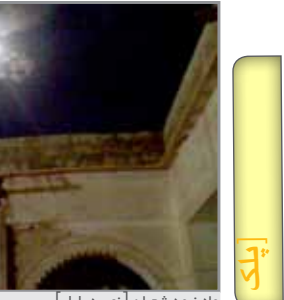
دانشجو: زبانی برای دانشگاه آزاد اسلامی در ابتدای جاده اوز در نظر گرفته شده است. کی قرار است این زمین ساخته شود. دانشگاه شهرهای دیگر یک ساله ساخته می‌شود. برای شهر ما کمتر از ۲۰ سال طول نمی‌کشد.

علی مطلق: چسرا در تابلوهای راهنما مسیر بندرعباس نامی از گراش برده نشده است؟

وفایی‌فرد: فکر می‌کنم بعد از واگذاری مسکن مهر به صاحبان‌شان اختصاص یک خط واحد برای مسکن مهر واجب باشد.

دانش آموز سال سوم: چرا رشته انسانی در شهر گراش در حال انقراض است؟

مصطفی علیپور: چرا تکدی‌گری در شهر این قدر زیاد شده است. یکی پاسخ دهد شهرداری؟ فرمانداری؟ یا نیروی انتظامی؟



ماه نیمه شعبان [نوریه بلبل]

گزارش مردمی
رعاشیروان

از بازار مرکزی میوه و تره‌بار که رد می‌شود، سمت راست جاده، ردیف خانه‌هایی را می‌بینید با بشکه‌های آب در پشت‌بام‌شان و در امتداد آن خط. هشتی بزرگی است که سقف سالن ورزشی محبی را تشکیل می‌دهد. بچه‌ها دارند فوتبال بازی می‌کنند، و خانواده‌های تو پارکی که هنوز کامل نشده ووسایل تفریحی اندکی دارد، عصر جمعی خود را می‌گذرانند. کم‌کم دارد غروب می‌شود، و تک به تک چراغ‌ها روشن می‌شود. سوسوی نور بین ردیف خانه‌هایی که هنوز بیشترشان خالی از سکنه است، جالب و دیدنی به نظر می‌رسد.

در انتظار همسایه‌ها
ساخت مسکن مهر بعد از گذشت حدود سه سال به پایان رسید و مردم آرام آرام خانه‌های خود را تحویل می‌گیرند. بعضی‌ها اسباب‌کشی کرده‌اند و رنگ‌آمیزی در و دروازد و در شرف سکونت در مسکن مهر هستند. از خیابان‌های مغزی مهر که رد می‌شود می‌توانید چند نفری را ببیند که جلو در خانه‌شان ایستاده‌اند و بعضی از زن‌ها دور هم نشستته و سرگرم حرف‌های خودشان هستند. احمد ماندگاری یکی از آنهایی است که جلوی در خانه‌شان ایستاده است تا از دلگیری غروب جمعه فرار کند. می‌گوید: «یک ماه است که آمده‌ایم و ساکن مسکن مهر هستیم. هنوز همسایه‌هامان نیامده‌اند. البته یکی دو نفرشان مشغول رنگ‌آمیزی در و دیوار خانه‌شان هستند. امیدوارم هر چه زودتر بیایند»

وجود زیر ساخت‌های مناسب از قبیل آب، برق، گاز، تلفن، یک مرکز تجاری و فضای سبز در یک پروژه مسکونی از



دستشویی بیمارستان اوز [محمدرضا رحیمی- عکاسی بر سوسولیس]

گزارشی از نخستین ساکنین مسکن مهر گراش

اولین در دسرهای آپارتمان‌نشینی



مسکن مهر چند روز بعد از واگذاری - [عکس:عبدالرضا راستگو]

مهم‌ترین مباحث مطرح در آن پروژه مصوب می‌شود. خوشبختانه در مسکن مهر به این امور توجه شده تا بعد از اتمام پروژه شاهد کند و کاو بعدی نباشیم. احمد ماندگاری در ادامه می‌گوید: «در حال حاضر بیشترین چیزی که نیاز داریم تلفن ثابت است که البته تمام کارهایش انجام شده و فقط دستگاهی از طرف مخابرات باید بیاورند و نصب کنند. گاز هم لوله‌کشی شده و فقط باید کنتور نصب کنند که هر چه به رئیس تعاونی می‌گوییم، می‌گوید از شرکت گاز مسکن مهر بود. خوبی‌اش به این است که کم‌کم باید قسط‌هایش را پس بدهم، و دیگر آن که کنتور آب، برق، تلفن، و گاز برای هر سوئیت مجزا است.»

اینجا خراب، آنجا خراب
البته خانم‌ها از زایوسه دید متفاوتی به خانه‌هایشان نگاه می‌کنند. مثلا این خانم: «هن و سه بچه، جمعا چهار نفر هستیم. خودم سرپرست خانواده هستم. بیشترین مشکل‌مان تلفن ثابت خلوت‌مان را هم کرده‌ایم؛ این



سطل آشغال. آشغال شده [محمد جهانپنده]



جشن نیمه شعبان [فرزانه نصیرزاده]



به یاد خانواده بندی [مهرابی]

نامه رسیده
مدیر عامل تعاونی مسکن طلاب

مسکن طلاب دهه فجر افتتاح می‌شود



مسکن طلاب - [عکس: عبدالرضا راستگو]

در پاسخ به عریضه جمعی از طلاب مبنی بر تاخیر در ساخت مسکن طلاب منتشر شده در شماره چهارم افسانه گراش به اطلاع می‌رساند که از تاریخ ۸۸/۱/۲۰ اجرای پروژه‌ی فوق با آورده‌های اعضا به صورت عملی شروع گردید اما به دلیل این که این پروژه تحت عنوان قرارداد اجاره‌ای بوده و تفاوت ماهوی با قرارداد مسکن مهر دارد، لذا پرداخت وام از سوی مسکن و شهرسازی و بانک مسکن عملا محقق نگردید و برای جلب نظر دولت محترم اقدامات جدی و مستمری از سوی امام جمعی محترم، مدیریت محترم حوزه علمیه و هیات مدیره و مدیر عامل انجام پذیرفت که پس از نه ماه نتیجه حاصل گردید و با دریافت اولین قسط، کار ساخت‌وساز بافت و از آن تاریخ تا کنون بدون وقفه فعالیت ساختمانی ادامه داشته است.

متذکر می‌گردد که به دلیل تاخیر در پرداخت حقوق پیمانکاران، که آن خود ناشی از تاخیر در پرداخت وام مسکن بوده کلیه پیمانکاران حاضر به ادامه کار با شرایط قبلی نبودند و انقعاد قرارداد جدید نیز مستلزم تحمیل هزینه‌ی دوباره بالغ بر یک میلیون تومان به ازای هر نفر از اعضای محترم بود که این معضل نیز با درایت مدیر عامل و همراهی هیات مدیره اصرار بر اجرای قرارداد با همان قیمت توافق شده قبلی به حول و قوه الهی مرتفع گردید.

با این توضیحات به استحضار همه‌ی اعضای محترم می‌رساند که اولاد دو سال و سه ماه از اجرای پروژه می‌گذرد و نه چهار سال، ثانیا فعالیت ساختمانی به گونه ای در حال انجام است که چنان چه مشکل خاصی پیش نیاید به یاری خداوند سبحان شاهد افتتاح این پروژه‌ی عظیم در دهه‌ی فجر امسال خواهیم بود.

مدیر عامل شرکت تعاونی مسکن ۲۱۳ کارکنان و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی گراش

[_____]

نامه رسیده
علیرضا حسینی - تورنتو کانادا

خانه‌ای که می‌خواستیم کتابخانه شود

راستش را بخواهید از آنجا که نمی‌دانم این ایمیل متعلق به چه کسی‌ست، مخاطب مستقیم‌ام را هم نمی‌شناسم. اما امیدوارم که خواننده جناب دکتر اقتداری باشند.

جناب دکتر اقتداری عزیز، سعادت دیدار مستقیم با شما را هرگز نداشتیم. اما وصفتان را شنیدم. روزگاری در دانشگاه آزاد شیراز درس معماری می‌خواندم و استادم مرا به گراش فرستاد تا از پروژه‌ی درس مرمت ابنیه‌ام عکاسی کنم. بماند برای من که اهل خراسانم و تا به آن روز هرگز در منطقه‌ی فارس گشت و گذار نکرده بودم، سفر با هواپیما به لار و بعد پیدا کردن خانه‌ای در شهری دیگر (که هرگز ندیده بودم) کار آسانی نبود. و چها که کشیدم از صبح تا عصر تمام خانه را عکاسی کردم و عصر هم ناهار را در خدمت عموزاده‌تان (اگر اشتباه نکنم) صرف کردیم. به خوبی به یاد دارم چلو مرغ بود و بسیار لذیذ. خوب به یاد دارم که ایشان هم از درد زانو برایم می‌گفتند و پیشینه خانواده و مراسم دهه‌ی اول محرم که هر سال در آن خانه برگزار می‌شود.

شب به شیراز برگشتم و تا آخر ترم روی طرح مرمت خانه کار کردیم (با دو تان از همکلاسی‌ها خانم‌ها رزازان و قطنی) تا توانستیم طرح تبدیل کاربری از خانه به کتابخانه را آماده کنیم. حال این که استادمان تنها هزینه‌هایی که قولش را داده بود (مثل هزینه سفر هوایی، چاپ عکس‌ها). را به ما پرداخت نکرد بلکه یکی از پایین‌ترین مره‌های دوران تحصیل را هم به عنوان هدیه تقدیم‌مان نمود. اگر اشتباه نکنم نام ایشان مهندس جواززاده بود.

باری، آن روزها گذشت. امشب در خلال جستجوهای شبانه در اینترنت به یاد آن خانه افتادم. خواستم ببینم سرنوشته‌اش چه شد. آیا شد آنچه می‌بایست می‌شد؟ آیا شد خانه‌ی کتاب‌های دکتر اقتداری که عمری آن‌ها را روی چشمش نگاه داری کرده بود و نهایتا می‌خواست به خانه‌ی اجدادی انتقال دهد؟ که با کمی جستجو این خبر را خواندم:

حدود پنج هزار نسخه از کتاب‌ها و اسناد احمد اقتداری، دیروز به کتابخانه دایره المعارف بزرگ اسلامی منتقل شد. این کتاب خانه پیش از این قرار بود به بخش گراش لارستان فارس منتقل شود اما موسسه متولی این امر نتوانست شرایط ایجاد کتابخانه مناسب در این محل را فراهم کند.

راستش خستگی آن روزها به تنم ماند. گاهی افرادی آرزو می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، طرح می‌دهند، زحمت می‌کشند... اما نهایتا کار به خاطر بعضی سوء مدیریت‌ها به سرانجام نمی‌رسد.

به هر حال امیدوارم نهایتا آن استاد ارجمند به خواسته‌ها و اهداف خود برسند و برای ایشان آرزوی طول عمر و توفیق روز افزون دارم.

در پایان عرض می‌کنم که یادگار آن روز است ضمیمه می‌کنم، باشد که مورد قبول قرار گیرد.



شده‌ایم. هنوز فضای سبزش خوب کار نشده، و آسفالت بعضی از کوچه‌ها مفت نمی‌ارزد. سرویس خط واحد ندارد و فقط تا جلو دادگاه می‌آید. این مسئله کار را برای آنهایی که بچه مدرسه‌ای دارند و وسیله نقلیه ندارند خیلی مشکل کرده است. این خانه‌ها برای ما گراشی‌ها با اسباب و وسایل زیادی که داریم و خانواده‌ها که خوراها وسیله به عنوان چپیزه به دخترها می‌دهند، به نظر می‌رسد خیلی خوب نباشد. ولی برای اول زندگی مناسب است.» آقای دهنوی بحث آموزش آپارتمان‌نشینی را هم لازم می‌داند: «روابط بین اعضای یک آپارتمان چهار سوئیتی خود یکی دیگر از هزاران مشکل مسکن مهر است؛ مثلا در یکی از سوئیت‌های همسایه ما، شیلنگ گرفته‌اند و کف خانه طبقی بالا را با آب شسته‌اند و تمام آب‌ها از سقف به سوئیت پایین نفوذ کرده و تمام سفیدکاری خانه خراب شده است. البته نباید انتظار داشته باشیم فرهنگ آپارتمان‌نشینی یک‌شبه جا بیفتد. از دیگر معضلات، عدم نظافت محوطه مسکن مهر است که هنوز شهرداری برای این کار نیرویی مامور نکرده و فقط چند روز یک بار آشغال‌ها را جمع آوری می‌کنند. نداشتن مسجد و مدرسه هم به نوبه خودش حایز اهمیت است، که البته آرام آرام فراند می‌سازند.»

هوا داشت تاریک می‌شد، ولی بچه‌ها هنوز داشتند در گرگ و میش غروب فوتبال بازی می‌کردند. با چه هیجانی هم با همدیگر صحبت می‌کردند.

- خطا کردی، پناتی بود...

آرام با موتور کنارشان ایستاد و چند لحظه نگاه‌شان کردم. بعد پرسیدم: «من رو هم بازی می‌دین؟»

دو ماه است که ساکن مسکن مهر

[کالبدشکافی نظریه‌های شکست انتخابات در گراش- بخش دوم

چرا فردوسی آمد؟ چرا فردوسی ماند؟

حاکم می‌شود.

لازم به یادآوری است که در گذشته تثبیت و تقویت پایه‌های قدرت خویش بهره می‌برند، این افراد به فردوسی به عنوان ابزاری برای دستیابی به هدف خود می‌نگرستند. برای آن‌ها تفاوتی نداشت که حسنی تأیید می‌شد یا نه. اگر حسنی تأیید می‌شد، فردوسی بهانه خوبی برای امتیاز گیری از حسنی بود. اما وقتی حسنی از عرصه رقابت کنار گذاشته شد، مغلغ خود را در آن دیدند که به نفع لار عمل کنند.

ارزیابی
حمایت دائمی لار از این افراد در گذشته و قدر شناسی‌ های علنی و مخفی لاری‌ها از این افراد در این روزها و تداوم مسئولیت‌های فعلی و تصاحب مسئولیت‌های جدید توسط این گروه، می‌تواند محکی برای ارزیابی این نظریه باشد. هر چند تجربه نشان داده است، آنانی که به طمع «ملک ری» خیانتی مرتکب می‌شوند بالاخره روزی منتشان باز شده و در نهایت از جانب مردم طرد می‌گردند. وعده دهنده‌ان نیز معمولا پس از استفاده ابزاری و تبدیل آنها به مهره سوخته، این افراد را رها کرده و آنان را تنها می‌گذارند.

۶- نظریه آشتی و تعامل
از نظر گروهی دیگر، اطرافیان فردوسی به خوبی می‌دانستند که قطعا او رأی نمی‌آورد، ولی بر این باور بودند که می‌توانند با جلوگیری از موفقیت زندوی، نظر لاری‌ها را جلب نمود. این اقدام، موجب می‌شود کینه‌ها و کدورت‌های فی مابین بر طرف شده و شکافی که بین لار و گراش (به ویژه پس از جدایی گراش از لار) به وجود آمده ، ترمیم گردد.

ارزیابی
از نظر گروهی دیگر، اطرافیان فردوسی به خوبی می‌دانستند که قطعا او رأی نمی‌آورد، ولی بر این باور بودند که می‌توانند با جلوگیری از موفقیت زندوی، نظر لاری‌ها را جلب نمود. این اقدام، موجب می‌شود کینه‌ها و کدورت‌های فی مابین بر طرف شده و شکافی که بین لار و گراش (به ویژه پس از جدایی گراش از لار) به وجود آمده ، ترمیم گردد.

۸- نظریه تهدید و ارعاب
نظریه دیگری که از جانب برخی کارشناسان مطرح شده، نظریه تهدید و ارعاب است. به باور این افراد، پدیده زشت و زنده‌ای که در گراش برای اولین بار خودنمایی کرد، بهره گیری از اهرم فشار، با استفاده از شرکد «شعبان

^[1] راستش را بخواهید از آنجا که نمی‌دانم این ایمیل متعلق به چه کسی‌ست، مخاطب مستقیم‌ام را هم نمی‌شناسم



تیم فوتبال بانوان گراش جوان



قهرمانی نوجوانان کوکوهو کار



تیم تبراندازی گراش



تیم باز از زیتون کیش



دوچرخهسواری به مناسبت نیمه شعبان

یادداشت

تمرین های پیش فصل

باشروع سال جدید، بعضی از تیمها مخصوصا در رشته فوتبال، تمرینات بدنسازی خود را شروع کردهاند و خود را برای مسابقات آماده می کنند.

سفر فوتسال گراش جوان به شیراز

تیم فوتسال بانوان گراش جوان با یک شکست از سفر شیراز بازگشت.

سرنجام لیگ فوتبال گراش از ۲۷ مرداد شروع می شود

لیگ یک و دو ادغام شد، هلال احمر در لیگ نیست

بهرتر بازیها تاکید کرد. عبدالرضا افشار که امسال مسئولیت کمیته مسابقات را بر عهده دارد برنامه هفتگی بازیها را اعلام کرد. یکی از دلایل تاخیر بازیهای امسال آماده شدن زمین و نیمکت ذخیره ورزشگاه شهدای گراش بود.



لیگ فوتبال مهمترین رقابت فوتبالیها گراش که هر سال با کشمکشهای خاص خود برگزار می شود. گویی رقابت فوتبالیها به مستطیل سبزه محدود نمانده و مدیران و مربیان پیشتر از بازیکنان به دنبال رقابت هستند.

دو مقام پنجمی برای کوچولوهای پینگ پنگ

مسعود درویشی در میان ۱۲ پینگباز برتر استان فارس در رده خردسالان به مقام پنجم دست یافت.



مسعود درویشی نماینده خردسالان گراش در مسابقات استان فارس بود. او ابتدا در مسابقات آزاد با حضور ۲۸ بازیکن با چهار برد اول شد و به لیگ برتر استان رفت.

دختر اسکیت باز گراشی قهرمان اسکیت کشور

سوسن باختر با یک قهرمانی و یک نایب قهرمانی از مسابقات اسکیت نونهالان کشوری بازگشت.



چهارمین دوره مسابقات اسکیت سرعت نونهالان دوم تیرماه با حضور سی تیم در تهران برگزار شد. منتخب فارس با عنوان تیم شهرداری چهرم که منتخبی از اسکیت فارس بود به نمایندگی از استان فارس در این دوره از مسابقات شرکت نموده بود.

مسابقات کشتی دانشکده علوم پزشکی شیراز

پنج کشتی گیر دانشجوی دانشکده علوم پزشکی با سه مدال از مسابقات شیراز برگشتند.



پنج کشتی گیر دانشجوی دانشکده علوم پزشکی گراش تیم کشتی این دانشگاه جمعه ۲۶ خرداد در مسابقات بین دانشگاهی دانشکده علوم پزشکی شیراز شرکت کرد.

انجمن نمایش برگزار می کند. کلاس های دوره تابستانه: بازیگری، آموزش گریه، تئوری نمایش، نمایشنامه نویسی، کارگاه تخصصی نمایش.

سیدرضا حسینی. انشای شاد است اما دست جمعی گراش را تیرگی می کویم. باید که در سیر اعلائی گراش بیاوریم. براه و یادور بنایم.

حسینعلی فولادی. انتخاب شایسته و بجا جنابعالی به عنوان رییس مجمع امور صنفی شهرستان گراش که مایه افتخار کسبه و بازاریان این شهرستان می باشد تبریک عرض می نمایم.

آگهی مزایده. یک قطعه زمین به مساحت ۲۲۲ متر مربع از حریم موقوفه هفت برکه واقع در شهرستان گراش با مزایده از ۱۹ تیر ماه واگذار می گردد.

برادر ارجمند جناب آقای محمدالاسلام و المسلمین حاجی منوچهر. از تلاش و کوشش بی شائبه جنابعالی در طول امامت جمعه شهرستان سپاسگزاری به عمل می آید.

برادر ارجمند و المسلمین حاج آقای سیدرضا حسینی. انتصاب بجا و شایسته حضر تعالی را به امامت جمعه گراش تبریک عرض نموده، از خداوند منان توفیق روز افزون را برایتان خواستاریم.

کوتاه از ورزش

کونگ فوکاران نوجوان با جام قهرمانی از اقلید برگشتند

مسابقات کونگ فو نوجوانان قهرمانی استان که به مدت سه روز در شهرستان اقلید برگزار گردید با قهرمانی تیم گراش به پایان رسید.

گراشی های زیتون کیش دوم شدند

تیم زیتون که از بازیکنان گراشی تشکیل شده بود موفق شد در میان بازارهای کیش به مقام دوم مسابقات فوتسال برسد.

پینگ پنگ

پینگ پنگ بازیکنان گراشی در لار روی سکو رفتند. در مسابقات آزاد لارستان عبدالهادی و حمیدرضا موعلی با مقام دوم و سوم به گراش بازگشتند.

اداره ورزش و جوانان

دومین نشست شورای ورزش شهرستان گراش باحضور مهندس خواست خدایی فرماندار و اکبری رییس اداره ورزش و جوانان گراش در سالن کنفرانس فرمانداری برگزار شد.

دوچرخه سواری

دومین نشست شورای ورزش شهرستان گراش باحضور مهندس خواست خدایی فرماندار و اکبری رییس اداره ورزش و جوانان گراش در سالن کنفرانس فرمانداری برگزار شد.

ورزش همگانی در نیمه شعبان

به انگیزه گرامیداشت نیمه شعبان ولادت باسعادت قائم آل محمد(عج) بیش از هفتاد دوچرخه سوار در دو رده سنی جوانان و بزرگسالان مسیر ۵ کیلومتری خیابان فیضیه، میدان دارایی و بلوار دانشجو را رکاب زدند.



ویژه نامه افسانه گراش
 سردبیران: محمدصادق رحمانیان و محمد خواجه پور
 مسئول نمایندگی: محمدعلی شامحمدی
 مدیر تحریریه: مسعود غفوری
 نشانی گراش: خیابان امام (ع)، ساختمان جابری، طبقه زیرین، دفتر موسسه فرهنگی هفت برکه
 چاپ: ایران زمین شیراز
 صفحه آرایی: هرمز کامپیوتر
 تلفن و فاکس: ۰۷۸۲ - ۲۲۲۹۹۷۰ پیامک: ۰۹۳۷۴۹۰۹۶۰۰

افسانه روزنامه صبح فارس
 سیاسی-اقتصادی-فرهنگی-ورزشی-هنری
 صاحب امتیاز: رامین رسول اف
 مدیر مسوول: پیمان بهادری
 نشانی شیراز: خیابان ذوالانوار غربی-کوچه ۱۸-پلاک ۵۸-روزنامه افسانه
 فکس: ۲۳۳۱۱۷۰
 تلفن: ۲۳۳۴۸۰۰۸-۹

گزارش
 محمدجواد حسن نواز

افسانه‌ی ما

عیش
 زهرا فردوسی

این زوج‌های جوان خرداد را برای آغاز زندگی انتخاب کرده‌اند. برای آن‌ها آرزوی خوشبختی داریم.

- دوشیزه معصومه امانی فرزند امان الله و آقای احمد فدایی فرزند حاج رضا
- دوشیزه فاطمه باقر پور فرزند علیرضا و آقای فردین نوشادی فرزند حسین
- دوشیزه محبوبه بزاز فرزند محمدحسن و آقای بهنام محیایی فرزند حاج احمد
- دوشیزه راضیه بهادر فرزند اصغر و آقای جواد رادمد فرزند مصطفی
- دوشیزه سهیلا تابش فرزند احمد و آقای جعفر عالی‌زاده فرزند احمد
- دوشیزه راضیه جاوید فرزند حاج محمد و آقای یدالله نوشادی فرزند نواز
- دوشیزه فهیمه جعفری فرزند حاج اسد و آقای علی محمدیان فرزند عباس
- دوشیزه فاطمه عالی‌آبادی فرزند ابراهیم و آقای عبدالعزیز امانی فرزند غلامعباس
- دوشیزه فاطمه فدایی فرزند حاج رضا و آقای مسعود غلامی فرزند غلامحسین
- دوشیزه صدیقه محمودی فرزند حاج علی‌اصغر و سلمان قاسم‌زادگان فرزند علی
- دوشیزه مرضیه مقتدری فرزند محمد و آقای مجید آذر مهر فرزند شاه محمدعلی
- دوشیزه رضوان نیکخواه فرزند اصغر و آقای حسین حسین‌زاده فرزند فتح‌الله

نشانه‌های از گذشته گراش



زیبایی خاصی در ابعاد ۱۲۰×۳۰ و ارتفاع ۲۰ سانتی‌متر ساخته شده‌اند، و نوشته‌های روی آنها به زبان عربی و به خط ثلث است. روی یکی از سنگ قبرها نام مبارک حضرت علی (ع) که با خط بنایی حکاکی شده است پیداست، و در وسط سنگ با خط زیبایی نوشته شده است: «ان الله غفور الرحیم» البته بر روی سنگ قبرها نشانی از محل تولد و یا دفن متوفی دیده نمی‌شود، ولی با توجه به جنس سنگ قبر که از سنگ سرخ است، و به این دلیل که این نوع سنگها در تپه‌ی کلات و بئر گال وجود دارد، شکی نیست که این سنگ قبر در گراش بریده و حکاکی شده است. دلاوران به دنبال فروش این عتیقه نفیس نیست و به گفته خودش می‌خواهد این اثر گران‌بها را به خاطر علاقه و آفری که به شهرش دارد به موزه مردم‌شناسی که به زودی راه‌اندازی خواهد شد تقدیم کند.

سنگ قبری از ششصد سال قبل

یکی، خطوط و نام متوفی بر اثر فرسایش نامشخص است. ولی تاریخ فوت آن ۸۹۲ هجری قمری است. سنگ‌ها با ظرافت و برمی‌گردد. او سنگ قبر دیگری نیز در کنار همین سنگ پیدا می‌کند، که متأسفانه بر روی این قبر به نیمه اول قرن نهم هجری قمری

علی‌اکبر دلاوران، از شهروندان گراشی، در اسفند ماه سال گذشته در حالی که به همراه خانواده‌اش مشغول تفریح در صحرای شخصی‌اش در حوالی بئر گال بود، متوجه تکه‌سنگی می‌شود که از میان خاک سر بیرون آورده است. نقوش و نوشته‌های روی سنگ حس کنجکاوی او را برمی‌انگیزد. خاک را با دشواری کنار می‌زند. سنگ‌ها را که بر اثر فشار یا عبور ماشین‌های سنگین از وسط خرد شده است به منزل می‌برد. پس از شست و شو و زدودن خاک و گل و لای روی نقوش و نوشته‌ها متوجه می‌شود این سنگ، سنگ قبری است مربوط به سنه ۸۲۳ هجری قمری، یعنی حدود ۶۰۰ سال قبل، و متعلق به جوانی است به نام «احمد بن شمس» که در ماه شعبان ۸۲۳ فوت شده است. بدین ترتیب، قدمت این سنگ قبر به نیمه اول قرن نهم هجری قمری

اگر شما از مشترکین پستی افسانه هستید و نشریه را به صورت مرتب یا اصلاً دریافت نمی‌کنید لطفاً با دفتر نشریه تماس بگیرید تا برای ارسال منظم نشریه هماهنگی شود. امیدوارم با همکاری شما بتوانیم سیستم اشتراک نشریه را منظم کنیم. به دلیل حجم موضوعات خیری مانند تغییرات مدیریتی در گراش و همچنین درگذشت امام جمعه لار موفق نشدیم این شماره پرونده برنش را کار کنیم. این پرونده که مطالب آن آماده است می‌ماند برای شماره‌های آینده در شماره بعدی می‌خواهیم پرونده اوقات فراغت و آموزش در تابستان را بررسی کنیم اگر عکسی از کلاس‌های قرآن و کلاس‌های تابستانی خود مربوط به سال‌های گذشته دارید برای ما ارسال کنید. کتابخانه هفت برکه در تابستان آماده پذیرایی از علاقه‌مندان کتاب است. به ویژه اگر علاقه‌مند مطالعه در حوزه‌های ادبیات، رسانه و بومی پژوهی هستید این کتابخانه محل مناسبی برای شماست. کتابخانه هفت برکه از اهدای کتاب‌های شما نیز استقبال می‌کند. اگر به دنبال محل مناسبی برای نگهداری و استفاده عموم از کتاب‌های تان هستید در کتابخانه هفت برکه پذیرای شما هستیم. هفدهم مردادماه روز خبرنگار است. فقط از باب یادآوری گفتیم.

یاد خدا
 مسعود غفوری

پسری که می‌خواهد پرواز کند

درد دلی که گناه است
 دم غروب نشستیم از ناراحتی‌ای که از هم اتقایم داشتیم برای دوستم می‌گفتم، از اخلاق و رفتارهایش، از حرف‌هایش که مثل خنجر به قلبم وارد می‌کند از این که چقدر با کارهایش اذیت می‌شوم از این که برخلاف همه‌ی دوست‌داشتن‌های من، چشم دیدنم را ندارد... یک ساعت بعد قرآن را برمی‌دارم تا سهم امروز را بخوانم؛ و چه خوب خداوند جوابم را می‌دهد؛ می‌آید: "وَلَا يَغْتَبِ بَغْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ" و غیبت نکند برخی از شما برخی دیگر را. آیا دوست می‌دارد یکی از شما آن که بخورد گوشت برادر خود را در حالی که آن برادر مرده باشد پس کراهت دارید آن را و بترسید از (عقوبت) خدا.

دوبار به مقام اول رسیده است. از طریق این سایت با سعید فتحی‌روشن و کریمی آشنا شده و با آن‌ها مرتبط است. ذهن‌خوانی و پرواز از روی زمین مهم‌ترین کارها و ترندهای اوست. دوست دارد کار سعیده‌بازی را ادامه دهد و حتی به این فکر می‌کند که این کار منبع درآمدش باشد. بین خارجی‌ها کار کارپرفیلد را بیشتر می‌پسندد اما نامش با دیدن CDهای تردستی به این کار علاقه‌مند شده است. می‌گوید خانواده‌اش اول مخالف بودند ولی الان همکاری می‌کنند. خانواده محمد بیشتر نگران بودند که این کار گناه باشد. اما وقتی در جواب استغنا ای‌الله مکارم نوشت که اگر جنبه سرگرمی داشته باشد و القای جادو نباشد اشکالی ندارد دیگر کمتر به محمد گیر می‌دهند. هر چند هنوز خانواده در مورد خطرناک بودن کارها به او تذکر می‌دهند. از سال دوم راهنمایی در مدرسه عالی‌پور در دهه فجر برای اولین بار اجرا کرده است. تولد حضرت علی(ع) اولین اجرای عمومی او در گراش بود. بیشتر کارهایش را به صورت کلیپ پر کرده است و بیشتر در اینترنت دیده شده است. چهار بار در مسابقات سایت سعیده‌باز شرکت کرده است و



گذر
 مینم صمیمی



تان گران شد- ثانوایی مجهز به کارتخوان

بابت شهر شادی گراش
 مژده به همشهریان عزیز
 معیشت شاد و مهیج برای تمام اعضای خانواده
 برای اولین بار در گراش
 بازی های شاد و پر هیجان
 با همکاری شهرداری و شورای معتمد اسلامی
 مدیریت: مسن زاده
 تلفن: ۰۹۱۷۵۵۶۰۴۰۰

ابوالحسن جان (بهراد)
 با آمدنت یاد پدر بزرگ را در خاطرمان زنده نمودی
 چراغ امید را در دل‌هایمان روشن ساختی.
 بابا و مادام

تفحیح نادر پور
 همپیمان قبولیات را با معدل ۲۰
 در مدرسه تومید دشتان ری تبریک گفته
 و موفقیت روز افزون را از خدا
 برایت آرزو مندیم.
 پسر و مادر

فرزندان: محمد مهدی نادر پور
 کسب رتبه اول با معدل ۲۰ را در مدرسه
 توحید پسران دبا تبریک می‌گوییم.
 و این موفقیت نشان از تلاش و کوشش فراوان
 در امر پویایی و تحصیلی شماست.
 پدر و مادر

فرزند عزیزمان: محمد حسینا
 نمره اولیت را در مقطع سوم
 را شنمایی شاهد به شما تبریک
 من گوئیم و موفقیتت را در
 کلیه مراحل زندگی و تحصیلی
 از خداوند بزرگ خواستاریم.
 پدر، مادر و برادر

فرزندان: سائینا پیری
 قبولیات را در کلاس پنجم دبستان سلیمی
 با معدل ۱۹/۵ تبریک می‌گوییم.
 امیدوارم در سالهای آینده نیز
 در امر تحصیلی موفق باشی.
 مامان و بابا

دختران: زهرا پیری
 موفقیت شما را در پایه سوم ابتدایی
 دبستان پاکزاد با رتبه ممتاز
 تبریک عرض می‌نماییم.
 سربلندی را در راه‌های آینده تحصیلی
 برایت آرزو مندیم.
 پاپا و مامان

جوادالله جان
 ۲۷ تیر روز تولد توست و من هر روز پیش از پیش
 به این راز می‌برم که تو خلق شدی برای من
 تا زیباترین لحظه‌ها را برابم بسازی.
 مهربانترین تولدت مبارک
 از طرف همسر

فانیا و علیرضا عزیزمان
 درای‌تان اسمانی خواهیم کشید پر از
 ستاره‌های همیشه نورانی و دنیایی
 به زیبایی هر آنچه زیبایش می‌دانید
 برای‌تان آرزو می‌کنیم.
 پدر و مادران

فرزند عزیزمان آقای حسین امانی
 دانشجوی مهندسی مکانیک دانشگاه شیراز
 افتخار آفرینی شما در کسب مقام
 قهرمانی (تیمی و انفرادی) مسابقات
 تنیس روی میز دانشگاه‌های کشور را به
 جامعه ورزش پینگ‌پنگ شهرستان گراش
 تبریک عرض می‌نماییم.
 از طرف پدر، مادر و برادران

دفتر فنی و مهندسی هنرور
 به روبروی اداره برق ساختمان ولایت
 (جاوید)، طبقه اول، واحد ۲
 (دارای آسانسور) منتقل گردید.
 تلفن: ۲۲۲ ۱۲۰۰ موبایل: ۰۹۱۷ ۱۸۱ ۴۷۰۲

جناب آقای حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین حلاجی مفرد
 بدینوسیله از زحمات جنابعالی
 در طول امانت جمع‌شهر گراش
 تقدیر و تشکر نموده و توفیق
 روزگرتون شمارا
 آرزو می‌کنیم
 حجت الاسلام مفرد
 (حسینیه حاجیه شاهجهان)

آقای حاج جعفر بلبلن: آقای احمد بلبلن: ابوالفضل گوهرپور
 تقارن تولد پدر بزرگ، فرزند و نوه
 در روز هشتم خرداد ماه
 مایه مباحات و شاد باشی ماست.
 بهترین تبریکات ما را بپذیرید
 از طرف خانواده بلبلن

زهرا و زهرا شاکری
 مناری شاد کسب اولیت شاد
 باعث سرت و شادی ما گردید
 این موفقیت پاداشی شرف‌ت شادماند
 با تبریکات فراوان. پدر و مادران

جناب آقای حاج علی مغرینی
 از تلاش، کوشش و همت ولایت
 جنابعالی در امر آب‌سازنی منطقه در
 طول نمایندگی مجلس هشتم شورای
 اسلامی کمال تقدیر و تشکر به عمل
 می‌آید. توفیق حق یارت باد.
 شورای اسلامی شهر گراش